

افزایش ۵۷ درصدی مصرف قلیان توسط دختران



اوکراین در مورد استفاده از سلاح‌های پیشرفته به آمریکا تضمین داده است



فصلنامه الکترونیکی پناه مردم | شماره ۱۴ | خرداد ۱۴۰۱ | ۱۲ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰ تومان

سخن سردبیر

اتفاقات عبرت ساز و لزوم اهتمام به تاریخ عبرت ساز

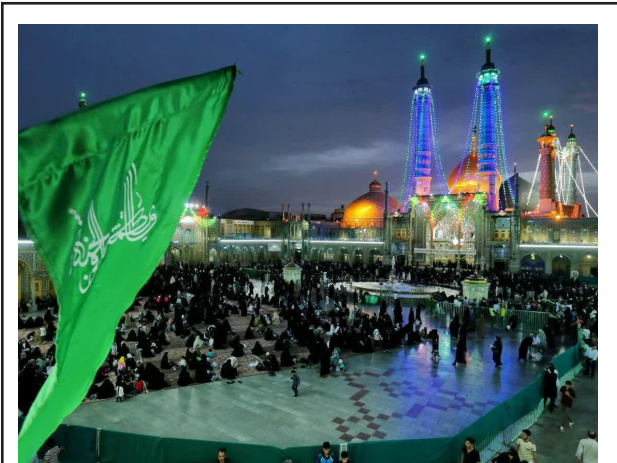
به قلم مهندس مهدی کیان



استفاده از تجربیات حاصل از این خرابیها بیانگر عدم وجود یک اطاق فکر برای پیشگیری از این دست اتفاقات بحران ساز در کشور می باشد. متأسفانه نه تنها نهادهای پایین دست حاکمیتی مانند شهرداری آبادان و سازمان نظام مهندسی ساختمان در این وضع باید پاسخگو باشند، بلکه باید عقلای نظام با ایجاد سلسله تصمیمات قانونی و منطقی و با چارچوب علمی اقدامات فراگیر و پایدار در حوزہ ساخت مسکنهای با دوام انجام دهند تا در آینده شاهد بروز حوادث اندوهباری همچون متروپل و پلاسکو و غیره که روز به روز بر نارضایتی مردم از عملکرد مسئولین و کلیت نظام می افزاید نباشیم.

ملت ایران هنوز داغ فروریزش پلاسکو را فراموش می کردند که حادثه فروریزش انهدام هواپیمای اوکراینی را در احساس کردند و دیری نپایید که درد ناشی از این اتفاق ناگوار را ملت فراموش کردند که حادثه فروریزش ساختمان متروپل را دوباره بر خود دیدند و همه این اتفاقات ناگوار که فقط در همین ۵ سال گذشته تجربه کردیم علیرغم درسهای فراوانی که می توانست برای مسئولین امر در جای جای نهادهای تصمیم گیری کشور، آموزش دهد تا با استفاده از این تجربیات به اغنا آموزش در خصوص پیشگیری از بحرانهای اجتماعی برسیم که متأسفانه تکرار این اتفاقات و عدم

ان شاا...



نام مبارکش فاطمه، لقب آن حضرت معصومه و در خانواده ی امام هفتم علیه السلام حضرت معصومه علیها السلام را «فاطمه کبری» می خواندند. (۲)

شیخ صدوق از سعد بن سعد روایت کرده است که از امام رضا علیه السلام درباره ی فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهم السلام سؤال نمود:

امام رضا علیه السلام فرمودند: «هر کس او را زیارت کند بهشت برای اوست». (۳) در روایتی دیگر امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«هر کس معصومه را در قم زیارت کند مانند کسی است که من را زیارت کرده است». (۴) در روایت دیگری فرمودند:

«هر کس او را در حالی که شناخت به حقیقت دارد زیارت کند بهشت بر او واجب می شود». (۵)

در روایت دیگر جواد علیه السلام می فرمایند: «هر کس عمه ام را در قم زیارت کند بهشت برای اوست». (۶)

منابع:

- ۱- زندگانی حضرت معصومه علیها السلام و تاریخ قم: ص ۳۴ و
- ۲- حیاة السنت علیها السلام: ص ۱۱. بحار الأنوار: ج ۴۸، ص ۲۸۸، ۳۰۳.
- ۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۱، ص ۲۹۹ و
- ۴- ناسخ التواریخ: ج ۳، ص ۶۸ و
- ۵- بحار الأنوار: ج ۴۸، ص ۳۱۷ ج ۹۹، ص ۲۶۶ و
- ۶- کامل الزیارات: ص ۵۳۶.

تجلی نور تو، فروغ تمثال الله یا حضرت معصومه، کریمه ی آل الله آمدی ای نور داور، بضعه ی موسی بن جعفر

جان فدایست ای مطهر، بضعه ی موسی بن جعفر

یا فاطمه اشغعی لی فی الجنّة گواه خوشحالی ها، دیده ی گریبان باشد

عیدی ما در دست حضرت پادشاه باشد

سوره های قدر و نور و آیه های کوثری تو

بر مشام آل طاهّا عطر یاس مادری تو

یا فاطمه اشغعی لی فی الجنّة غنی شده هر سائل، با کرم زیباییات

راه بهشت جاوید، از حرم زیباییات کن دعا که تا قیامت سائل کوی تو باشم

در مَنای دلتوازی مُحرّم روی تو باشم

یا فاطمه اشغعی لی فی الجنّة اذو القعدة

۱- ولادت حضرت معصومه علیها السلام

در این روز در سال ۱۷۳ هـ دخت گرامی موسی بن جعفر علیه السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به دنیا آمده است. (۱)

پدر بزرگوار آن حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام، و مادر مکرمه ی آن حضرت جناب نجمه علیها السلام مادر امام رضا علیه السلام است.

گفتگوی پناه مردم با محمد صالح جوکار مسئول کمیسیون شوراهای

مجلس پیرامون طرح اصلاح قانون احزاب



از دست رفتن پایگاههای سیاسی نظام به دلیل حذف احزاب کم بضاعت همسو با نظام بود. زیرا که مادر دوانتخاب سرنوشت ساز شاهد حضور حداقلی مردم و از دست رفتن اعتماد مردم از نظام بودیم. زیرا همه احزابی که با بضاعت کم در لایه های اجتماع زیست می کردند و امدهاری و اعتماد مردم به نظام را قوت می بخشیدند حذف شدند و مردم در پوران سردرگمی به احزاب بی ریشه و رسانه های آنان پناه آوردند و حوادث ددمشانه ای را در کشور رقم زدند. خوشبختانه مدیریت این رسانه بارها و بارها ضعف های قانون احزاب را به گوش مسئولین رسانده است و حدود ۷ سال تلاش برای اصلاح قانون احزاب جواب داد و خوشبختانه دلسوزان انقلاب در کمیسیون شوراهای مجلس به عنوان گوش شنوای مردم صحتهای و درد دلهای ما را شنیدند و المدهالله جو انقلابی حاکم بر کمیسیون شوراهای مجلس سبب تدوین طرح اصلاح قانون احزاب شد که در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱ توسط مجلس اعلام وصول شد و در این خصوص گفتگویی را با جناب آقای محمد صالح جوکار ریاست محترم کمیسیون شوراهای مجلس ترتیب دادیم و از ایشان سوال کردیم که سرنوشت این قانون چه شده است؟ و کی این قانون به مرحله تصویب خواهد رسید و مراحل پیش رو کدامند؟...

همانطور که می دانیم قانون احزاب یکبارز مهمترین قوانین جاری در کشور ماست که سرنوشت کشور و مدیریت کلان و آزادیهای اساسی و روش فعالیت مدنی به پیاده سازی این قانون بستگی دارد. از اول انقلاب تاکنون دو قانون در خصوص نحوه فعالیت احزاب نوشته شد که هر دو قانون ضعفهای بسیار زیادی داشتند.

۱- قانون احزاب مصوب ۱۳۶۰

۲- قانون احزاب مصوب ۱۳۹۵

که قانون دوم مشکلات بسیار زیادی بر سر راه علاقمندان به فعالیت حزبی و تشکیلاتی و فعالان جامعه مدنی قرار داد که عملاً فعالیت حزبی را منوط به اتصال به یک جناح خاص و صاحبان زور روز می نمود. مثلاً متقاضیان برای ثبت حزب باید در یک سوم استانهای کشور دفتر فرعی تاسیس نمایند و نیز ۱۵ نفر افراد دارای لیسانس به بالا را با خود همراه کند تا هیات موسس را تشکیل بدهد و برای تشکیل کنگره حداقل ۳۰۰ نفر عضو داشته باشد. که در واقع این قانون با توجه به گرانیهای موجود در کشور صراحتاً اعلام می نمود که باید ماهی حداقل ۵ میلیارد پول داشته باشی تا بتوانی فعالیت حزبی کنی. که از جمله نتایج زیانبار و غیر قابل جبران آن

ادامه در صفحه ۷

احزاب؛ ثبات سیاسی و امنیت



مقدمه

در جوامع و نظام‌های سیاسی کنونی تقریباً هم‌اندیشی کاملی نسبت به ضرورت تحزب وجود دارد و از احزاب با عنوان چرخ دنده ماشین دموکراسی، نماد سیاست مدرن، حلقه مفقوده و واسط بین مردم و کارگزاران و تصمیم گیران سیاسی یاد می‌شود. از سوی دیگر، هواداران تحزب، وجود احزاب را مایه توسعه و ثبات سیاسی و وحدت و امنیت ملی کشورها بشمار می‌آورند و تعادل و پایداری نظام را کار ویژه این پدیده محسوب می‌کنند. اما پاره‌ای از صاحب نظران قدیم و حتی جدید هم هستند که یا به طور کلی ادعاهای فوق را نفی می‌کنند و احزاب را بر عکس مایه تفرق و تشتت و ناامنی سیاسی - اجتماعی می‌دانند و یا این که بسیاری از احزاب فعلی را به دلیل عوام‌فریبی، سازمان محوری، طبع الیگارشیک و، در ایفای چنین وظیفه مهمی ناکارآمد دانسته و اساساً جستجوی احزاب واقعی را به ناکجا آبادهای آرمانی حواله می‌دهند. در هر حال این سؤال اساسی، شایسته بحث و بررسی است که آیا وجود و عملکرد احزاب - به ویژه در ایران - مایه ثبات سیاسی و استوار شدن امنیت ملی است یا برخلاف آن، پدیده‌ای دامن زننده به تشتت و پریشانیهای مختلف در سطح نظام‌های سیاسی است و به عبارت دیگر کارکرد آنها عملاً ضعف و عدم تعادل و بی ثباتی را به همراه می‌آورد؟ این نوشتار در چهار گفتار، ابتدا ضمن بیان کلیاتی درباره تحزب و تاریخچه آن در ایران، موضوع تعامل یا تنافر رابطه تحزب و امنیت و ثبات سیاسی را از دیدگاه نظریه‌های موجود، عمدتاً غربی به بوته نقد می‌گذارد و در نهایت با استفاده از این مباحث، موضوع یادشده را در جمهوری اسلامی بررسی می‌کند و سعی دارد در این زمینه راهبردهایی را مطرح سازد.

گفتار اول: تحزب و تاریخچه آن در ایران

تحزب در حقیقت گردهمایی پایداری گروهی از مردم است که از عقاید مشترک و تشکیلات منظم برخوردارند و با پشتیبانی مردم برای به دست آوردن قدرت سیاسی از راه‌های قانونی مبارزه می‌کنند. بسیاری، چهار ممیزه سازمان، ایدئولوژی، قانونی بودن و مبارزه برای کسب قدرت را وجه تمیز حزب از غیر آن، شمرده‌اند. البته خاستگاه‌های احزاب مختلف هستند که از جمله آنها می‌توان به شکافهای طبقاتی، مذهبی، منطقه‌ای و سیاسی؛ احساسات و تعلقات نژادی، و تعلقات و منافع سازمانی، سنی و جنسی و اشاره کرد. باید پذیرفت که احزاب به معنای جدید از پدیده‌های یکصد و پنجاه سال اخیر غرب و از محصولات تجدد هستند، اما در ایران حزب در معنای عامی همانند دسته و تشکل سیاسی، مثل بسیاری از جوامع بشری پیشینه‌ای طولانی و تاریخی دارد ولی

بین نیروهای متعهد انقلابی - فضای جنگی کشور، به دست بنیانگذارانش تعطیل اعلام شد و خلاء اجتناب ناپذیری از این بابت بر کشور حاکم گردید. "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم تا حدی به این سرنوشت گرفتار آمد. سازمان مزبور که در اواخر سال ۱۳۵۷ از وحدت هفت گروه مبارز مسلمان بر ضد رژیم شاه، تشکیل شد به مشارکت و مساعدت در جهت تثبیت نظام ج.ا.ا. پرداخت، اما پس از حذف و طرد نیروهای موسوم به "غیر یا ضدانقلابی" از بدنه مدیریت اجرایی کشور و حاکمیت خط امام (ره) دچار تضاد و انشعاب فکری در بین اعضا شد با جدایی جناح موسوم به چپ از آن، سازمان نیز که تحت اختیار جناح راست بود در سال ۱۳۶۵ با توافق امام راحل منحل گردید. البته جناح چپ سازمان مزبور در مهر سال ۱۳۷۰ مجدداً تا به امروز فعالیت سیاسی خود را آغاز و ادامه داده است. شایان ذکر است که پس از برچیده شدن حزب جمهوری و سازمان مذکور، تنها تشکل سیاسی موجود که البته جنبه حزبی هم نداشت، "جامعه روحانیت مبارز تهران" بود که این تشکل هم در سال ۱۳۶۷ با یک انشعاب روبرو شد که "مجمع روحانیون مبارز" حاصل آن بود. البته تشکل اخیر نیز پس از انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، فعالیت خود را عملاً متوقف کرد و مجدداً با پیروزی یکی از اعضای خود - رییس جمهور خاتمی - در انتخابات دوم خرداد ۷۶، به صحنه سیاسی بازگشته است. اما در حال حاضر نزدیک به یکصد حزب، جمعیت و گروه سیاسی نسبت به گرفتن پروانه

از کمیسیون ماده ده احزاب اقدام کرده اند که از این تعداد تنها ۳۹ مورد مربوط به دولتهای پیشین است و بقیه با توجه به فضای سیاسی مساعدتر دولت فعلی بدین کار مبادرت ورزیده‌اند. اما با وجود صدور این مجوزها، هنوز تعدد و تنوع احزاب مشاهده نمی‌شود. در واقع اکنون به طور مشخص چهار حزب "مشارکت ایران اسلامی"، "کارگزاران سازندگی"، "همبستگی ایران اسلامی" و "حزب اسلامی کار" به گونه‌ای محتاط و غیر حزبی فعالیت می‌کنند. ناظران سیاسی تمایل زیادی ندارند که عنوان حزب را برای چهار گروه سیاسی یادشده به کار ببرند. آنها این گروه‌ها را فاقد تعریف حزب می‌دانند و معتقدند آن چه در این گروه‌ها می‌گذرد، بر مبنای زنجیره‌ای از روابط شخصی و پیوندهای دوستانه استوار است. در این میان شاید بتوان تا حدی حزب اسلامی کار را استثنا کرد، آن هم از آن رو که دارای پایگاه طبقاتی و برنامه نسبتاً مشخصی است. از سه حزب دیگر بیشتر به منزله محافظی یاد می‌شود که فاقد ارتباطات‌های انداموار و ایدئولوژیک با طبقه و پایگاه اجتماعی معینی هستند. در واقع این گروه‌ها بیشتر به ماشینیایی می‌مانند که تنها در موسم انتخابات روشن می‌شوند و رأی جمع می‌کنند و در عین حال احزابی غیر خودجوش بوده و از بالا شکل گرفته‌اند و فاقد مؤلفه‌های این پدیده سیاسی می‌باشند. پس از ذکر این مقدمات، اینک جا دارد به تبیین نظری رابطه دو متغیر احزاب و امنیت و ثبات سیاسی پرداخته و سپس این موضوع در قالب جمهوری اسلامی مجدداً مطرح شود.

گفتار دوم: کارویژه‌های موافق احزاب با ثبات سیاسی و امنیت احزاب به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد ثبات سیاسی و امنیت مدخلیت دارند. از یک طرف کارویژه‌های عام آنها باعث افزایش توسعه سیاسی می‌گردد و بدین طریق ظرفیت بقای نظام را بالا می‌برند و از طرف دیگر با اجازه فعالیت به احزاب منتقد و مخالف - درون نظام - و اپوزیسیون، همانند روزنه اطمینانی به تداوم و ایمنی حکومت مدد می‌رسانند. در این مبحث به هر دوی این کارکردهای احزاب اشاره می‌شود.

الف) کارویژه‌های عام

کارویژه‌ها و کارکردهای احزاب واقعی، همواره موجد ثبات سیاسی و امنیت در هر نظام سیاسی است و به همین دلیل است که از آنها به ستون فقرات دموکراسی و جزء ضروری نظام‌های مردم سالاری یاد می‌شود. به تعبیری از آن جا که در عمل امکان انعکاس دیدگاه‌ها یک به یک افراد جامعه وجود ندارد، از این رو احزاب، ابزاری برای جمع بندی، کانالیزه کردن، انعکاس، و سرانجام سعی در عملی ساختن نظریه‌های مختلف در جامعه، و در عین حال مانعی

در واقع سابقه تحزب در این کشور، به شکل مشخص کنونی و در چارچوب تعاریف موسوم از احزاب سیاسی کمتر از یک قرن است و به عبارتی به عصر مشروطه یا کمی پیش از آن - به اواخر دوره ناصری و اوایل سلطنت مظفرالدین شاه قاجار - باز می‌گردد. تا قبل از انقلاب اسلامی به ویژه در دوره مشروطیت، و دهه ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بستری نسبتاً مناسب و موقت برای رشد احزاب فراهم شد؛ با این وجود ماهیت احزاب در این دوران به گونه‌ای است که کمتر نشانی از احزاب مستقل و خودجوش دیده می‌شود؛ چنین تشکلهایی معمولاً با سرکوب حکومتها مواجه گشته و دیری نپاییدند. بیشتر حزبهایی این دوران یا غیر خودجوش و وابسته و مولود نظام‌های دولتی بودند و یا این که به گونه‌ای سرسپردگی یکی از کشورهای خارجی را یدک می‌کشیدند، از این رو هیچ‌گاه پایگاه مردمی گسترده و حیات پایداری نیافتند و نوعاً ماهیتی مستعجل داشتند. با پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی استبداد رژیم پهلوی نیروهای عظیمی از شور و هیجان سیاسی، مذهبی و مردمی آزاد گشت و به دنبال گسترش آزادیهای سیاسی و اجتماعی، صدها حزب و گروه در عرصه کشور پایه عرصه فعالیت نهاد. گرچه بسیاری از این گروه‌ها به همان اندازه خلق الساعه بودن موسمی و ناپایدار و شکننده نیز بودند. در چنین شرایطی، گروه‌های سازمان یافته تر مارکسیستی، التقاطی و مخالف انقلاب و نظام، با سوءاستفاده از آزادیهای بی سابقه، از یک طرف اقدام به بهره بردن از امکانات و فعالیت به اصطلاح آزاد و قانونی می‌کردند و از دیگر سو با جمع آوری اسلحه و مهمات، ایجاد خانه‌های تیمی و امن و کمک به حرکت‌های تجزیه طلبانه در نواحی مرزی و قومی، در پی براندازی نظام برآمدند. حزب توده ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران - منافقین -، سازمان فدائیان خلق ایران و حزب جمهوری خلق مسلمان، از عمده ترین گروه‌های سیاسی بودند که به دلیل خیانت به انقلاب و تلاش در جهت براندازی نظام، به تدریج با افشای ماهیتشان، از صحنه سیاسی بیرون رانده شدند. البته در این دوره تشکلهای سیاسی طرفدار نظام نیز به وجود آمد که سرآمد آنها حزب جمهوری اسلامی بود؛ مرحوم شهید بهشتی اولین دبیر کل این حزب، با توجه به تجارب حاصله پس از سال ۳۲ و کودتای ۲۸ مرداد و نهضت ملی شدن نفت، سخت معتقد بود که باید نیروهای انقلاب به صورت یک تشکیلات سیاسی اسلامی فعال درآیند. اما پس از چندی، فعالیت این حزب به واسطه فاجعه ترور بسیاری از سران و اعضای اصلی و بروز اختلاف سلیقه‌ها، به سستی گرایید و به دنبال بروز اختلاف نظرها و برخی عملکردها، با عنایت به نظر امام (ره) - و در جهت ممانعت از شکاف و تفرقه

برای تشتت افکار و هرج و مرج فکری و وسیله ای برای تحقق بخشیدن به مشارکت سیاسی افراد جامعه و از لوازم و ارکان اصلی و اساسی حکومت دموکراسی و نظام "الهی مردمی" به شمار می روند. به گفته بال، مهمترین کارویژه احزاب سیاسی، متحد کردن، تسهیل و اثبات ساختن روند زندگی سیاسی است. مریام پنج کارویژه برای احزاب معین می کند: ۱- گزینش نامزدهای انتخاباتی ۲- تدوین سیاستهای عمومی ۳- انتقاد از حکومت ۴- آموزش سیاسی ۵- واسطه بودن میان فرد و حکومت. مونرو هم به همین نوع کارویژه ها اشاره دارد، افزون بر آنها از برقرار کردن مسؤولیت سیاسی جمعی و مستمر هم نام برده و معتقد است احزاب علاوه بر تسهیل کار حکومت پارلمانی، همفکران را به گونه ای هدفمند و سازمان یافته و منضبط گرد هم می آورد. یکی از کلان ترین و بهترین منظرهای نگرش به کارکردهای احزاب، نگرش سیستماتیک ساختاری - کارکردی است؛ نگرش کارکردگرایی در دهه ۱۹۶۰ وارد علوم سیاسی شد و مدافعانی چون گابریل آموند، جیمز کلمن و بینگام پاول یافت که تحول سودمندی را در تحلیلهای سیاسی موجب گشت. در همین جا بود که کارویژه احزاب نیز مورد توجه قرار گرفت. احزاب از این زاویه نه به مثابه تشکیلهایی مجزا یا منفرد، بلکه چونان بازیگرانی مرتبط با محیط خود مورد تحلیل قرار گرفتند که به ایفای نقشهای متفاوتی در درون مجموعه ای که به آن تعلق دارند می پردازند. از این دیدگاه حزب به منزله یک فرع از سیستم اصلی نظام سیاسی و اجتماعی عمل می کند و با ایفای نقش جعبه سیاه دارای درونداها و برون دادهها و بازخور است. داده ها یا درونداها، حاوی مجموعه اطلاعات و خواستههای انتقالی به درون حزب است و یافته ها و برون دادهها عبارتند از کلیه تصمیمها، مقررات، شعارها، موضع گیریها، خط مشیها، جهت گیریها، تاکتیکها، راهبردها و... که از جعبه سیاه (حزب) خارج شده و در اختیار جامعه و دولت و سایر نهادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی قرار می گیرند. بازخورد هم عبارت است از بازتاب آن دسته یافته ها که دوباره به صورت داده ها وارد جعبه سیاه شده و به صورت یافته های جدیدی از آن بیرون می آیند که در این بخش، تعبیر و تفسیر داده ها صورت می گیرد. بدین ترتیب حزب ماشینی است که مسائل را از سطح جامعه جمع آوری کرده و پس از تحلیل و دسته بندی به نهادهای تصمیم گیری (دولت، مجلس، افکار عمومی و) عرضه می دارد. چنان که آمد، حزب سیستمی فرعی و مندرج در سیستم اصلی نظام سیاسی است که به تسهیل و کارآمدی سیستم اخیر کمک شایانی می کند. باید اشاره کرد که نظام سیاسی دارای کارویژه های مهمی است که عبارتند از: استخدام کارگزاران نقشهای سیاسی، استخراج و بسیج و توزیع منابع، شناسایی و تلفیق منافع اجتماعی گوناگون، تأمین شبکه ارتباطات سیاسی، وضع و اجرای هنجارهای سیاسی و انجام وظایف داوری مربوط به اجرای هنجارها. این کارکردها مختص بخشهای دروندا و برون داد و بازخور سیستم سیاسی است و کارایی نظام سیاسی، شرط انجام گرفتن این کارویژه ها بر اساس ارزشها، هنجارها، نهادها و نقشهاست. در هر حال، نظم سیاسی و ثبات هر حکومتی، از منظر پیش گفته، مبتنی بر دو دسته عوامل است: یکی این که نظام سیاسی کارویژه های خود را به خوبی انجام دهد و با سایر سیستمهای فرعی جامعه تبادل و روابط متقابل داشته باشد و دوم این که میان حوزه های اصلی نظام اجتماعی ناهماهنگی و عدم تعادل شدید پدید نیاید. احزاب سیاسی یکی از مهمترین نقشها را در تأمین این دو هدف بر عهده دارد. در توضیح بیشتر باید گفت که نظام سیاسی وقتی ثبات است که به طور منظم با دریافت داده ها، آنها را به بازده تبدیل کند. از سوی دیگر اگر مدار داده، فرایند، بازده و بازخورد، گسسته شود نظام سیاسی دچار اختلال می گردد. این نابسامانی ممکن است در حوزه داده ها، فرایند، بازده ها و یا بازخورد پدید آید. در حوزه داده ها یا درون داده ها ممکن است کل خواسته ها و تقاضاهای جامعه وارد سیستم سیاسی نشود و یا نهادها و سازمانهایی برای انتقال این خواستهها وجود نداشته باشد و یا نظام سیاسی به نحوی کاذب خواسته ها و تقاضاها را

خود تعیین کند. در حوزه فرایند ممکن است نظام عقلایی لازم، گسترش نیافته باشد. در حوزه بازده ها و یا برون دادهها ممکن است اصلا بازده ها هیچ گونه ارتباطی با داده ها نداشته باشد و در واقع نظام سیاسی آنچه را که خود ترجیح می دهد به مثابه سیاستهای خویش عرضه کند و یا بازده ها بعضا بازتاب داده ها و درون نهادها باشند، و سرانجام در حوزه بازخورد ممکن است پیوندهای لازم جهت تطبیق و مقایسه میان داده ها و بازده ها وجود نداشته باشند در همه این موارد نظام سیاسی ارتباط کامل خود را با پیرامون از دست می دهد و به آشفتگی و ناهماهنگی می افتد. رویکردی دقیق به عملکرد و کارویژه های احزاب، نشان می دهد که این تشکلهای سیاسی در صورت تحقق عینی خواهند توانست با گردآوری درست آراء، امیال و خواسته های کلیه اقشار و تأویل و تفسیر درست آنها، آیین نظرات و مطلوبیهای مردم نسبت به نظام سیاسی باشند و در تصمیم سازی و برنامه ریزی نقدگرانه و صحیح، آنها را باری رسانند و همچون واسطه ای بین مردم و دولت عمل نموده و از ایجاد خندق میان این دو عامل - که تا حدی نیز با هم دارای اصطکاک و تنافر غایب هستند - جلوگیری کنند و به همین دلیل است که از حزب سیاسی به "چرخ دنده ماشین دموکراسی" یاد شده و یا هانتینگتون آن را نهاد ویژه سیاست مدرن دانسته است. بحث از کارویژه های عام احزاب، موضوعی بسیار مستوفاست و به این دلیل در این جا تنها خلاصه ای از آنها، ذکر می گردد:

۱. ارتباط مستقیم با پدیده انتخابات و انجام دادن بهینه آن با شکل دادن به افکار عمومی، گزینش نامزدها ترتیب و تنسيق کار انتخاب شدگان.

۲. حزب دارای نقش آموزشی نظری و عملی توده ها در حوزه مشارکت سیاسی است و انگیزه لازم این امر را فراهم می سازد. از سویی با اطلاع رسانی دقیق، شهروندان را از تصمیمها و مقاصد قدرت سیاسی آگاه می سازد و واکنش لازم را در قبال این مقاصد در آنها ایجاد می کند. ضمن آن که افراد را از دنیای انزوا و گره خوردن با مسائل گروهی خارج می سازد؛ از این رو حزب یکی از اصلی ترین کارگزاران توسعه سیاسی است.

۳. حزب، عامل ادغام اجتماعی و جامعه پذیری سیاسی افراد در سطوح فردی، گروهی و اجتماعی است و از این طریق و با عضوگیری در حفظ نظام سیاسی و سازگاری آن با محیط مؤثر می افتد.

۴. احزاب یکی از مناسبترین مجاری را برای اعمال کارویژه های ارتباطاتی - در حوزه های روابط اجتماعی سیاسی - تشکیل می دهند.

۵. احزاب می توانند ابزاری برای استخدام سیاسی، تربیت کادرهای اداره حکومت و رسیدن به مشاغل و مناصب سیاسی به شیوه مدنی باشند و این توان را دارند که فرصتهایی را برای تحرک اجتماعی به سوی بالا ایجاد کنند و شایسته سالاری را تقویت و ترویج نمایند.

۶. بر خورد و انتقاد از حکومت و سعی در جلوگیری از انحراف حکومت اکثریت از معیارهای ارزشی و مصالح و منافع ملی با نظارت دائم و جلوگیری از استبداد توده ای فردی.

۷. نهادینه کردن فعالیتهای سیاسی، افزایش بینش و آگاهی سیاسی فرد و جامعه و جلوگیری از بی اعتنائی و انفعال سیاسی - اجتماعی مردم و تبدیل مشارکت توده ای به مشارکت فعال و سازمان یافته.

۸. بالا بردن ضریب صحت تصمیم گیریهای سیاسی و سیاست گذاریهای راهبردی و کاهش احتمال خطا با افزایش مشارکت و تضارب آراء در سطح نخبگان و عموم جامعه.

۹. توان عظیم حزب در بسیج عمومی عاملی است که توفیق طرحهای خودیاری و خودبسیاری، حفظ امنیت کشور در شرایط اضطراری و جنگی و بحرانی را افزایش می دهد.

۱۰. مشروعیت سازی، فرایندی است که احزاب با عملکرد صحیح خویش، حفظ و تداوم نظام سیاسی را بدین وسیله افزایش می دهند.

۱۱. تعیین شناسنامه حزبی برای کلیه طالبان فعالیتهای

سیاسی اعم از افراد و گروهها که خواه ناخواه فعالیت و ارتباطات سیاسی آنها را با یکدیگر و دولت آسان می کند.

ب) کارویژه های خاص (با تأکید بر ضرورت وجود احزاب اپوزیسیون) اگر چه کارویژه های عام احزاب به طور غیرمستقیم، در بردارنده ثبات سیاسی و امنیت است یعنی با افزایش و تقویت توسعه سیاسی به این هدف نائل می شود - اما احزاب مستقیما عامل بازدارنده خشونت و بی ثباتی سیاسی هستند و همانند دریچه های اطمینان عمل می کنند. اما نحوه این کنش و فرایند چگونه است؟ در پاسخ باید گفت احزاب سیاسی - به قول موريس دورژه - می توانند افکار عمومی را تثبیت کنند، و بدون آنها این افکار متغیر است: "احزاب، عقاید مشابه را هماهنگ می سازند، اختلاف فردی را کاهش می دهند، مسائل با جنبه شخصی را سوهان زده، آن را در چند خانواده بزرگ معنوی مستهلک می سازند. این کار بزرگ، سنتز بسیار مهمی است." که نتیجه آن وحدت عقاید مشابه ولی متفرق است. همین نقش، احزاب جامعه را از تلاطمهای بزرگ سیاسی و اجتماعی باز داشته و تمایلات و خواستههای متعدد و متنوع آنها را در مسیرهای مناسب و از قبل تعیین و هدایت شده قرار می دهد؛ هنگامی که اصلاح نهادهای به موقع انجام نگیرد و دولتها و احزاب در رفع عیوب و نقایص نهادهای پیشی نجوبند و نهادها را در مسیر اصلی و واقعی خود قرار ندهند، بی حسی اجتماعی، محرک ایجاد انفجارهای انقلابی می گردد که کنترل آن از دست دولتها خارج می شود. جوامع در تلاطم انقلاب خونین و انتقام جویانه مدعیان اصلاح طلب به هر سو کشیده می شوند." بدین ترتیب احزاب سیاسی به مثابه سد و کانالیایی عمل می کنند که انرژی متراکم توده ها و حالت عصیان و طغیان آنها را تبدیل به سکون و آرامش نموده و با به جریان انداختن آن در مجرای صحیح خود، نه تنها جلوی تخریب ساختارهای سیاسی اجتماعی و را می گیرند بلکه در جهت حفظ و تداوم حیات نظام سیاسی به کار می روند. از سویی احزاب می توانند با نقش خود، بی ثباتیهای برآمده از فرایند توسعه و نوسازی را کاهش دهند؛ هانتینگتون در این مورد معتقد است که چون نیروهای جدید اجتماعی که طی فرایند نوسازی به وجود آمده اند خواهان مشارکت سیاسی گسترده هستند از این رو ثبات جامعه در گرو آن است که بتواند این سطح فزاینده مشارکت سیاسی را جذب نماید. احزاب - به ویژه در صورتی که قبل از گسترده شدن سطح مشارکت به وجود آمده باشند - می توانند چونان ابزارهای نهادی اصلی برای سازماندهی این مشارکت سیاسی به شکل سازنده و مشروع عمل نمایند. به نظر هانتینگتون، ترکیبی از مشارکت گسترده و سازماندهی قوی حزبی می تواند مانعی بر سر راه بروز خشونت و سیاست ناپهنجار باشد. در صورتی که احزاب سیاسی ضعیف باشند خطر مداخله نظامیان در سیاست افزایش می یابد. بدین علت ثبات هر نظام سیاسی در حال نوسازی بستگی به قدرت احزاب سیاسی آن دارد و یک حزب هم زمانی می تواند قدرتمند باشد که از حمایت قوی و نهادینه شده توده ها برخوردار گردد. بنابراین احزاب سیاسی از یک سو نتیجه فرایند تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی هستند و از سوی دیگر می توانند از طریق افزایش توانایی جامعه برای حل بحرانهایی همانند همگرایی، مشارکت، مشروعیت، هویت و توزیع، تغییرات بیشتری را در جهت حفظ و ثبات نظام سبب شوند؛ نیز احزاب سیاسی می توانند از طریق فراهم ساختن ایدئولوژی، رهبری یا فرصتهایی برای مشارکت سیاسی، یا ترکیبی از این سه، برای دولت مشروعیت سازی کنند و با فراهم آوردن ابزاری برای انتقال مسالمت آمیز قدرت در درون یک نظام حزبی رقابتی، به اقتدار حکومت مشروعیت بخشند و این واقعیت ضروری را ثابت کنند که حکومت صرفا عرصه جولان تعدادی از نخبگان یا یک الیگارشی بیگانه از جامعه که حتی صفات نخبگی اقل را نیز ندارد، نیست. احزاب این قابلیت را دارند که در خلال و از طریق جامعه پذیری سیاسی اولافرهنگ سیاسی را تقویت کنند و ثبات الگوهای فرهنگی رقابت و تعامل سیاسی را قانونمند و مصالحه آمیز کنند که این دو کارکرد ضمن تداوم و حیات سیاسی یک نظام به شمار می رود.

جالب این جاست که امروزه حتی احزاب مخالف رانیز به نحوی در تثبیت و حفظ سیستم سیاسی سهیم می‌دانند؛ یکی از کسانی که به خوبی جنبه مثبت احزاب مخالف را نشان داده است "ژرژ لاوو" جامعه‌شناس فرانسوی است که در مورد حزب کمونیست فرانسه، تحقیقی انجام داده است و از نقش تریبونی این حزب که ما آن را "دریچه اطمینان" ترجمه می‌کنیم نام می‌برد "لاوو" نام تریبون را از "تریبون دولایب" ۱ در رم باستان گرفته است، یعنی همان جا که مردم پابره‌نه جمع می‌شدند و صدای خود را به گوش کنسول می‌رساندند و سپس خوشحال از این که فریاد خود را زده‌اند، آرام به خانه‌های خویش بازمی‌گشتند و بدینسان نظام را از خطر شورش و دسیسه آنها، وای رهید. به نظر "لاوو" حزب کمونیست فرانسه تا سال ۱۹۶۵ که به سوی کسب قدرت از

احزاب

طریق انتخابات متمایل شد، در عین ضدیدت با نظام بورژوازی نقش در ریچه اطمینان را بازی و در نتیجه به حفظ نظام کمک می‌کرد. نظر "لاوو" کاملاً درست می‌نماید زیرا قرائن نشان از آن دارند که چنانچه تمامی درها به روی برخی از اقشار یا نیروهای اجتماعی یا طیفهای عقیدتی بسته شود، در واقع راه برای تروریسم جو خوشنودت و در نتیجه تزلزل سیستم بازمی‌گردد؛ مثال بارز در این زمینه، ممنوعیت فعالیت حزب کمونیست آلمان در دهه ۱۹۵۰، سلطه کامل دو حزب سوسیال دموکرات و دموکرات مسیحی بر زندگی سیاسی این کشور و سرانجام چهار نعل تاختن سرمایه داری در دهه ۱۹۷۰ است که در ظهور گروه تروریستی "ابادرماینهف" ۲ مؤثر واقع شد. عوامل مشابهی نیز در پیدایش "بریکاد سرخ" در ایتالیا تأثیر داشت، در حالی که در فرانسه فعالیت آزاد و مشارکت حزب کمونیست در امور سیاسی تا اندازه‌ای راه را بر نیروهای افراطی دست چپی بست. به هر حال نظریه دریچه یا روزنه اطمینان ژرژ لاوو، پژوهشی در باب احزابی بود که به لحاظ نظری دشمن نظام موجود و ارزشهای آن هستند ولی همین احزاب به استوار شدن نظام سیاسی موجود کمک می‌کنند. از این نظرگاه، وجود یک حزب انقلابی و ضدنظام از یک سو به ایفای چنین نقش اطمینان بخشی می‌پردازد که باعث تثبیت نظام سیاسی است و از سوی دیگر بر مشروعیت آن می‌افزاید، زیرا نظامی که بتواند به مخالفان خود نیز اجازه فعالیت بدهد در واقع علاوه بر ژرژ لاوو، اندیشه گران دیگری هم در این باره به طرح نظر یاتی پرداخته‌اند، این دسته حتی نقش ضدسازمانی یا خرابکارانه احزابی را که در بدنه نظام نمی‌گنجد تا حدود زیادی مثبت می‌دانند؛ به همین دلیل از نظر "مرکل" این احزاب نیز در مجموع عملکردی کارکردگرایانه دارند؛ "زیرا می‌توانند برای جلوگیری از یک انقلاب عمومی یا شورش، نقش یک روزنه اطمینان را بازی کنند." امروزه نظریه پردازان دموکراسی، وجود اپوزیسیون و احزاب وابسته به آن را عامل حیات این نوع اندیشه و نظام سیاسی می‌دانند و نوع سال م آن را روح دموکراسی پارلمانی به شمار می‌آورند؛ زیرا در این نوع حکومت، اپوزیسیون نقشی حیاتی بازی می‌کند و به ادعای اصحاب دموکراسی، در برابر استبداد احتمالی حزب حاکم نقش مهمی را برعهده دارد. اینان معتقدند وقتی که همه گروهها در قوه مقننه درباره لایحه‌ای بحث کنند، برتری مجلس ممکن می‌شود. اپوزیسیون کارآمدی می‌تواند از قانونگذاری نامطلوب که ممکن است از فکر و ذهن رهبران دچار بیماری قدرت، برآمده باشد و در مرحله تصویب مجلس

برای خشود کردن رأی دهندگان آنها با شور و شوق طرفداری شود، جلوگیری کند. افزون بر آن، اگر اپوزیسیون ناتواناییهای وزیران حزب اکثریت را در مجلس افشا کند، قوه مجریه توان بر خودکامگی نخواهد داشت. رهبر اپوزیسیون در واقع نخست وزیر بدیل و حزب اپوزیسیون هم "حکومت منتظر" است. در بریتانیا، اپوزیسیون با نام "اپوزیسیون علیا حضرت ملکه" خوانده می‌شود و

است. متفکران دیگر هم بدنبال طرد هر گونه تعارض و ساز مخالفی در جامعه بوده‌اند. این که دانتون می‌گفت: "حزب فقط یک حزب و آن هم حزب مردم" یا "کندرسه بیان می‌داشت: نیاز مردم این است که حزبی وجود نداشته باشد، خودگویای وحشت آنها از تفرقه‌ای بود که احتمال داشت از دسته بندیهای اجتماعی و سیاسی ناشی شود. به همین دلیل احزاب نوظهور در پایان قرن

نوزدهم، از احزاب پیشین، با صفت "جدید" متمایز شدند. صفت جدید از آن جهت اضافه شد که بار بسیاری از اتهامات و بدبینی‌ها را از دامان این پدیده تازه بزداید و ترسیم گر خط فاصلی بین گذشته و حال احزاب باشد. سوءسابقه احزاب گذشته با خصلت سودجویی گروهی، دسیسه‌های سیاسی، انزوای اجتماعی و اختصاص آنها به خانواده‌های نزدیک به استبداد حاکم، از دلایل این تمایزگذاری بود. امروزه نیز در نوشته‌های برخی از بزرگترین تئوری پردازان نظریات احزاب، بدبینی و یأس مذکور به خوبی دیده می‌شود؛ برای نمونه "موتیزی استروگرسی" که نهایتاً حزب را پس از تشکیل، سده راه دموکراسی می‌بیند و یا "روبرت میخلز" که معتقد به حاکمیت قانون آهنین الیگارشی در تمامی گروهها بوده و از دگردیسی انسان در کوره حزب سخن می‌گوید و سرانجام "ماکس وبر" که با تأکید بر اهمیت رهبری در احزاب سیاسی، فرجام انسان حزبی را در تبدیل شدن به نوعی "حیوان رأی دهنده" می‌بیند که کاری جز اطاعت از دستورهای رهبری ندارد. بدبینی واقع‌بینانه در آثار دو نویسنده اول مشهود است ولی القای بدبینی در نوشته‌های ماکس وبر که بنیانگذار جامعه‌شناسی تفهیمی است و به تشریح قضایا، آن چنان که هست می‌پردازد، تلویحاً صورت می‌گیرد؛ زیرا با گفتن "حیوان رأی دهنده" و "اطاعت کور کورانه از رهبر" خود به خود انسان را نسبت به فرجام تحزب دچار بدبینی می‌سازد. از سویی وی انگیزه‌های اصلی کار احزاب و اعضای آنها را مادی می‌داند یعنی پادشاهی که پس از پیروزی در انتخابات، نصب آنها می‌شود. استروگرسی بدبینیهای خود نسبت به تحزب را در سال ۱۹۰۲ در رساله‌ای به نام "دموکراسی و سازمان احزاب سیاسی" سامان داده است و عقاید او هنوز نیز در خور تأمل و توجه می‌باشد. به نظر وی احزاب پس از تشکیل به زودی افکار عمومی را در قالب الگوهای جای می‌دهند که تنها به کار حزب می‌آید و از خواسته‌های فوری و حیاتی مردم غافل می‌مانند. پیچیدگی ماشین حزب که به دنبال گسترش آرای عمومی و ضرورت سازماندهی قوی و پیوسته برای بسیج رأی دهندگان حاصل می‌شود، سبب پیدایش قشری دائمی از سیاستمداران حرفه‌ای می‌گردد که هدایت و اداره حزب را در دست می‌گیرند. از این تاریخ، مسائل و منافع حزب و پیروزی حزب و اداره و گسترش آن، خطوط اصلی برنامه و اهداف حزب را تشکیل می‌دهد. به عبارتی در این فرایند، حزب به صورت یک فرقه متعصب یا واحدی مستقل درمی‌آید که فقط به مسائل خود توجه می‌کند به قسمی که رهبران احزاب نیز به زندانیان سازمانی که خود آن را بنا نهاده‌اند تبدیل می‌شوند. از نظر این اندیشه‌گر، در کلیه احزاب، سازمان به مثابه ماشین، انسانیت افراد را محو و به بند می‌کشد و اهداف سازمان و نفس آن در اولویت قرار گرفته و حزب از حالت وسیله خارج و به هدف تبدیل می‌شود. شکل الیگارشیک حزب و غلبه سازمان بر آن، در آثار بسیاری از صاحب نظران آفتی برای حزب و موجب آسیبهایی برای جامعه سیاسی به شمار آمده است. بی دلیل نیست که ماکس وبر از احزاب با عنوان "ماشینهای بزرگ سیاسی" یاد می‌کند؛ میخلز نیز به این مسئله اشارات زیادی دارد. آلن دوبنوا

به رهبر حزب اپوزیسیون از خزانه بریتانیا حقوق مقرر پرداخت می‌شود و او با یک وزیر کابینه برابری دارد. به طور کلی، نخست وزیر در مسائل مهم سیاسی با وی مشورت می‌کند. بدین ترتیب گفته شده که در حکومتهای دموکراتیک و بانخابات آزاد، لازم است که همواره شمشیر داموکلس بر سر رهبران و نمایندگان مردم آوربان باشد و انحراف معیارهای آنها را تصحیح و گوشزد نماید. نتیجه کار بردی اپوزیسیون، توازن و تعادل منافع کلیه افراد و نه قربانی کردن منافع یکی در برابر دیگری است. وجود احزاب و اندراج فعالیت‌های انتقادی گروههای اپوزیسیون در داخل این تشکیلات، باعث بروز هنر سیاست می‌شود که همان، متوازن کردن منافع گوناگون آحاد جامعه و تأمین بیشترین حد امکان رضایت آنها است. طبیعی است که در صورت عدم ملاحظه گروههای قانونی مخالف در قالب احزاب، این فعالیتها حالت پنهان، افراطی و براندازانه خواهد گرفت و فعالیت سیاسی در نظام تبدیل به فعالیت "بر ضد" نظام و حکومت می‌شود. قدرت خود را به نمایش گذاشته و میزان پایبندی خود به دموکراسی را نشان می‌دهد.

گفتار سوم: کارویژه‌های متناظر احزاب با ثبات سیاسی و امنیت اگر چه اجماع نسبتاً کاملی درباره سودمندی وجود احزاب در تثبیت و ایمنی سیاسی یک نظام وجود دارد اما برخی از متفکران نیز همواره بدبینانه به این تشکل سیاسی نگریسته‌اند و حتی نگرش منفی خود را به کلیه احزاب تسری داده‌اند. اما دیدگاههای جزئی‌نگری هم هستند که تنها به گونه‌ای موردی، ضعف و نارسایی عملکردی پاره‌ای از احزاب را مخل وحدت و ثبات سیاسی می‌دانند. در مبحث آتی به این دو نگرش توجه مبسوط‌تری می‌شود.

الف) بی‌ثباتی و تشتت محاصل عملکرد عموم احزاب

در متون سیاسی کلاسیک، موارد و نظریه‌های بسیاری وجود دارد که با بدبینی و یأس از احزاب یادشده و معمولاً آنها را موجد تفرقه و تشتت به شمار آورده‌اند البته در دهه‌های اوایل قرن بیستم نیز ظهور احزاب فاشیستی و نژادپرست در آلمان، ایتالیا و اسپانیا و جنگ افروزیهای آنان نیز در بدبینی به نقش احزاب مؤثر بوده است. در هر حال، همواره این سؤال در سیاست و نظامهای مختلف سیاسی مطرح بوده که آیا احزاب موجب ثبات و قوام جامعه یا موجد آشفتگی و تشتت می‌باشند؟ پاسخ به بخش اول این پرسش در دهه‌های اخیر صغبه مثبت و ایجاب‌ی کاملتری یافته، در حالی که در گذشته چنین نبوده است؛ مثلاً آلکسی دو توکویل احزاب را "شرهای جدایی‌ناپذیر دموکراسی" پنداشته

در همین زمینه یاد آور می شود که، خود احزاب هم که نقش آنها در حیات سیاسی مملکت اساسی است، به طرز عمل می کنند که کاملاً دموکراتیک نیست. وی اظهار می دارد که میخیزد در سالهای ۱۹۱۰ تحقیق عمیقی درباره احزاب سیاسی کرده و به این قانون حتمی و شدید رسیده است که احزاب هم، در درجه اول سازمانهایی هستند تحت تأثیر یک گروه سیاستمدار حرفه ای؛ آنها نیز به سوی الیگارشیک کشیده می شوند، یعنی امور آن را چند نفر اداره می کنند؛ از این رو دموکراسی به الیگارشیک منتهی می شود و هر دموکراسی ناچار از داشتن یک هسته الیگارشیک است و مشاهده این حقیقت عمیقاً اسباب افسردگی او می شد. این نوع رویکردها در آثار معاصران دو دهه اخیر هم، دیده می شود، برای مثال شوارزبرگ در کتاب "دولت - نمایش. اوضاع سیاسی در جوامع صنعتی مبتنی بر حزب و دموکراسی را به صحنه های فیلم و سینما تشبیه می کند که در آن سه ضلع یک مثلث یعنی هنرپیشه اول، نمایش (سناریو) و مردم با هم در کنش متقابل قرار می گیرند. به تعبیر وی، سیاست جنبه ای نمایشی با اجرای انحصاری یک هنرپیشه پیدا می کند که نشان از شخصی شدن قدرت و جهان سیاست است. حاصل آن که همه چیز از حزب تا پارلمان و برنامه تحت شعاع هنرپیشه اول قرار می گیرد. این هنرپیشگان، یاد نقش قهرمان ظاهر می شوند (مثل دوگل و مائو) و با نقش آقا و سرور همه (مثل پمپیدو، فورد، کارتر) یا نقش رهبرانی فرهمند را ایفا می کنند (همانند کندی و ژسکار دستن) و یا دارای نقش پدران (مانند ریمون بار) هستند، این ستارگان عرصه نمایش، مطبوعات و سیاست خاص و مطلوب خویش را نیز ابداع می کنند. مطبوعات هم چهره ای را که آنان خواهان هستند، از آنها می سازند. در نتیجه، شهروند فقط به یک تماشاگر ساده در مقابل بازی بازیگر تبدیل می شود. نمایش قدرت دائمی است و تماشاگر، منفعل و تحت تأثیر صحنه و گردانندگان اصلی که اغلب، گروههای ذی نفوذ و فن سالاران اداری هستند، پشت پرده پنهانند. بدین سان این متفکر، نتیجه می گیرد که دموکراسیها در حال مرگ اند و باید برای نجات آنها کمر همت بست. در همین زمینه لاپالمبارا معتقد است، در حقیقت، ظهور انقلاب الکترونیک و اهمیت سیاسی وسایل ارتباط جمعی، این فکر را در برخی اذهان تداعی می کند که احزاب سیاسی ممکن است راه دایناسورها را به سمت انقراض ببیمایند، از این رو برخی به سهولت نتیجه می گیرند که احزاب در حقیقت نهادهایی متعلق به گذشته اند که عمرشان به سر آمده است. وی از تضعیف نقش احزاب نسبت به گذشته یاد می کند اما معتقد است گرچه افزایش سطح سواد، انقلاب الکترونیک و پیدایش شیوه ها و هنجارهای جدید رفتار جمعی، بر احزاب تأثیر گذاشته اند و آنها همانند نسل گذشته خود نیستند، اما با این وجود، شایعات راجع به ضعف زیاد یا از بین رفتن آنها بسیار اغراق آمیز است. به هر حال اگر هم تضعیف نقش احزاب، هواداران زیادی نداشته باشد، اما در مورد عملکرد آنها در ایجاد تشش و تفرق ملی، تردیدهایی قوی وجود دارد. از این رو برخی بر این باورند که احزاب سیاسی مانند یک شمشیر دولبه درباره وحدت ملی عمل می کنند و گاهی چنان فراگیر و آرماتخواه هستند که وحدت ملی را در زیر لوای یک یا دو حزب می توان مشاهده کرد. ولی همواره این چنین نیست در تاریخ هر ملت برهه هایی وجود دارند که وحدت ملی و حتی استقلال آنها به لحاظ تعدد احزاب و تعلقات افراد به این تشکلهای هم گسیخته شده است. در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم، فرانسه دچار چنین وضعیتی بود. آن زمان احزاب فراوانی در فرانسه وجود داشت و فرانسویان طوری در کار مناقشات و مبارزات حزبی غرق شده و به افراط گراییده بودند که عده ای از آنان در مرحله اول سوسیالیست یا کمونیست یا جمهوری طلب بودند و در مرحله دوم شاید خود را فرانسوی می دانستند. این روند موجب تضعیف این کشور و تسهیل سلطه آلمان هیتلری بر فرانسه شد. منازعات حزبی تفرقه انگیز در کشور مزبور حتی تا زمان حکومت دو گل نیز ادامه یافت و وی را ناگزیر از موضع گیری در برابر احزاب کرد.

(ب) بی ثباتی و تشش، ماحصل عملکرد موردی احزاب ناکارآمد

بسیاری از پژوهشگران، دامنه انتقادات خود را نسبت به احزاب و نقش آنها در ایجاد تفرق و تشش، به پاره ای از احزاب محدود ساخته اند که در عملکردشان ضعف وسستی داشته و یا در آن صادق نبوده اند. برای نمونه، احزاب لیبرال دموکراسی، آماج اتهامات مشابه احزاب کمونیستی بوده اند و هنوز هم چنین مواجعه ای تا حدودی پابرجاست. این گونه احزاب امروزه متهم این هستند که عقاید و افکار را قالب گیری، دستکاری می کنند و با جوسازها و عوامفریبی و کنترل وسایل ارتباط جمعی، خواسته های خود را به جای خواسته های مردم می نمایند و اساساً بر مبنای روشهایی که در بازار یابی مورد استفاده قرار می دهند آرای مردم را خریداری و سپس دست به "عقیده تراشی" می زند و از این رو نقشی واقعی در تقویت فرهنگ و توسعه سیاسی ندارند. تبلیغات و بازار یابی این نوع احزاب را اقتصاددانانی همانند آنتونی داونز نیز مورد تأمل قرار داده است به گونه ای که وی چنین عملکردی را به عمل خرید و فروش در بازار تشبیه می کند. بنابراین تحلیل، احزاب کالایی را (پروگرام) به مشتریان (رای دهندگان) عرضه کرده و در عوض بهای آن را (رای) دریافت می کنند. طبیعتاً نفع فروشندگان در این است که کالایی عرضه کنند که بیشترین مشتری را بخود جلب کند و مشتریان هم کالایی را بخرند که موجب رضایت بیشتر آنها گردد. ناگزیر این بازار رای است که برنامه خط مشی حزب را تعیین می کند و احزاب، ایدئولوژی و برنامه خود را بد انسان تعیین می کنند که موجب جلب بیشترین مشتری گردد و در طرف دیگر، انسان با همه عظمتی که ممکن است داشته باشد فقط به اندازه یک رای ارزش دارد و نه بیشتر. مسلمانان نظریات نشان از واقعیات انکارناپذیری دارد که همان تشکیک نسبی در کار ویژه های مثبت احزاب است و جهان سیاست هم در نیمه دوم قرن بیستم شاهد این حقیقت بوده است و بسیاری از جامعه شناسان از نظر گاههای دیگر بدان پرداخته اند که کتابهای مشهوری چون "پایان کار سیاستمدار" از بیرن بوم یا کتاب "دولت - نمایش" از شوارزبرگ نمونه هایی از آن است. درباره نظامهای مختلف یک، دو و یا چند حزبی هم تفههایی صورت گرفته است. امروزه گفته می شود که کشورها و مللی که نهادهای اجتماعی را چندان جدی نمی گیرند و با آن از سر نزاع درمی آیند با نظام چند حزبی سازگاری بیشتری دارند. ملاحظه می شود که خصوصیت یاد شده در کشور مانیز صیغه آشکاری دارد و از طرف دیگر هم، واقعیتهای فعلی و جوانه های در حال شکوفایی احزاب حاکی از نظام شبه چند حزبی است به همین دلیل در ادامه این بحث تا حدودی به رابطه حزب در چنین نظامهایی با موضوع ثبات سیاسی و امنیت پرداخته می شود. به تعبیر دکتر نقیب یکی نظامهای چند حزبی خصوصاً اگر از نوع انعطافناپذیر باشند یکی از کار ویژه های خاص را که آلموند و پاول به نام یکپارچه کردن خواسته های پراکنده از آن یاد می کنند به خوبی بر آورده نمی سازند، زیرا وجود احزاب متعدد نمایانگر حوزه های مجزایی است که هنوز در هم ادغام نشده اند. این امر خود موجب دو نقیصه دیگر است که آثار سوئی در جامعه سیاسی برجامی گذارد، اولاً وجود گروهها و احزاب مختلف ممکن است منشاء چنددستگی آرا در جامعه باشد و بالطبع بر ثبات نظام سیاسی، خدشه و آسیب وارد سازد. حکومتها در نظامهای چند حزبی، حکومتهایی ائتلافی است که با خروج یکی از احزاب مؤتلفه، سقوط کرده یا دچار تزلزل می شود. در پارلمان نیز هیچ گاه اکثریت منسجمی شکل نمی گیرد که تکیه گاه یک حکومت مقتدر و باثبات گردد. نمونه بارز این نوع سیستم حزبی جمهوری چهارم فرانسه است که در آن عمر متوسط حکومتها کمتر از هشت ماه بود. در ثانی وجود ادعاها و خواسته های متفاوت، کار کرد سیستم سیاسی را دچار اختلال و کندی کرده و از سرعت عمل بازمی دارد. در عین حال این نقائص در نظامهای چند حزبی انعطاف پذیر به میزان زیادی کاهش می یابد؛ از این رو انتخاب یک رژیم انتخاباتی مناسب، مثل اکثریتی دومرحله ای که در فرانسه اعمال می شود، می تواند تا حدی از تشش آراء بکاهد.

(ج) احزاب و جرایم سیاسی

عموماً در تمامی کشورها هر کس یا هر گروه و تشکل و یا حزبی مرتکب جرم سیاسی گردد مستوجب نوعی جریمه و مجازات است. اما تعبیر و تفسیر جرایم مزبور بر حسب نظامهای سیاسی حقوقی مختلف فرق می کند. در کشور مانیز در این باره تأویلهای متعددی صورت گرفته است. در توضیح بیشتر، شاید لازم باشد که ابتدا اشاره ای کوتاه به قانون احزاب صورت گیرد. پیش از این" در اجرای اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی و برای تأمین حدود و مقررات مربوط به تشکیل احزاب و جمعیت ها و تأمین آزادی مشروع تشکیل و فعالیت آنها و نیز تأمین آزادی راهپیمایی ها و تشکیل اجتماعات، قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده" در شهریور ماه سال ۱۳۶۰ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. در این قانون حزب، جمعیت، انجمن، انجمن اسلامی و انجمن اقلیتهای دینی تعریف شده و نحوه ثبت و صدور پروانه برای آنها ذکر شده است. طبق ماده ۶، فعالیت گروهها آزاد شناخته شده، تا وقتی مرتکب تخلفات مندرج در ماده ۱۶ این قانون نشوند؛ و ماده ۱۶ در واقع به نوعی محدودیتهای مندرج در اصل ۲۶ قانون اساسی را بیان و مصادیقی از آن را ذکر کرده است. ماده ۱۶ در ۱۰ بند محدودیتهای احزاب و گروهها را ذکر کرده که بعضی از آنها در حد همان کلیات مندرج در اصل ۲۶ قانون اساسی و بعضی بیان تفصیلی تر آنها است. ممنوعیتهای موضوع ماده ۱۶ به طور اجمال عبارتند از: افعال منجر به نقض استقلال کشور، مبادله اطلاعات و مواضع با سفارتخانه ها، دریافت کمک مالی از بیگانگان، نقض آزادیهای مشروع دیگران، ایراد تهمت، افترا و شایعه پراکنی، نقض وحدت ملی و طرح ریزی برای تجزیه کشور، تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان ملت، نقض موازین اسلامی، تبلیغات ضداسلامی و پخش کتب و نشریات مضله، اختفاء، نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز؛ در ماده ۱۰ این قانون بر پایی کمیسیون پیش بینی شده که تشخیص صلاحیت متقاضیان تشکیل گروهها و تصویب صدور پروانه برای آنها و تشخیص تخلفان از مقررات ماده ۱۶ به عهده آن کمیسیون گذاشته شده است. اخیراً قوه قضاییه - در مورخه ۱۱ مرداد سال ۷۸- لایحه پیشنهادی این قوه در خصوص جرایم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن، موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی را تصویب و از طریق وزیر دادگستری به هیأت دولت فرستاده است تا جهت بررسی به مجلس شورای اسلام ی فرستاده شود. این لایحه در ۲۵ ماده تهیه و شامل تعریف جرم سیاسی و نمونه هایی از مصادیق آن، هیأت منصفه و ترکیب وظایف آن است و بر اساس ماده یک این لایحه، جرم سیاسی عبارتست از اقدام مجرمانه ای که بدون اعمال خشونت، توسط اشخاص حقیقی یا انگیزه سیاسی و به وسیله گروههای سیاسی قانونی، علیه نظام سیاسی مستقر و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران و یا علیه حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان انجام گیرد. همچنین در ماده ۱۲ این لایحه، برخی از مصادیق جرم سیاسی عبارتند از ارتکاب اعمالی که به نقض استقلال کشور منجر شود، از قبیل تلاش برای ایجاد تشدید اختلاف بین مردم، افشاء و انتشار اطلاعات، اسناد و تصمیمات طبقه بندی شده مربوط به سیاستهای داخلی و خارجی کشور، نشر اکاذیب، شایعه پراکنی و تشویش اذهان عمومی از طریق نشر اعلامیه، بیانیه و خبرنامه و هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، انجام مصاحبه، تبانی با سفارتخانه ها، نمایندگی ها، از گانهای دولتی، احزاب، رسانه های گروهی کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال و وحدت ملی، منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد. البته تفسیرهای مختلفی درباره این لایحه صورت گرفته، همچنان که کمیسیون حقوق بشر اسلامی نیز لایحه مشابه و مفصلتری در این زمینه تهیه کرده است. اما بدیهی است که ضرورت بحثهای روشنگرانه و تحلیلی در این زمینه همچنان باقی است.

گفتار چهارم: موانع حزب، محل ثبات سیاسی و امنیت

گرچه آفات زیادی متوجه احزاب است و بدبینیهای در باره نوع عملکرد این تشکلهای سیاسی وجود دارد. ولی تقریباً اجماع

بالایی، دال بر نقش مثبت آنها در توسعه سیاسی و افزایش ثبات و امنیت در میان هست، بنابراین به سهولت این نتیجه قابل دسترسی است که هرگونه مانعی در تحقق آنها، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، سدی در مقابل ثبات سیاسی و امنیت یک کشور به شمار می رود. از این رو بی مناسبت نیست که تا حدی موضوع حاضر یعنی موانع تحزب در ایران مورد عنایت واقع شود. البته باید گفت که اختلاف و تنوع آراء در این باره نیز فراوان است. برخی معتقدند موانع تحقق احزاب بخشی به فرهنگ سیاسی جامعه ایرانی و برخی به عملکرد دولت و احزاب، وابسته است. دولتمردان در طول سده جاری مخالف یک سازمان سیاسی قدرتمند در مقابل هیأت حاکم بوده اند. روحیاتی مانند آمریت، قانون گریزی، بی اعتنایی به فرهنگ مشارکتی، وارداتی بودن مقوله حزب، وابستگی برخی احزاب به قدرتهای خارجی، شخصی فکر کردن رهبران و غیرمردمی بودن احزاب و مهمتر از آن ناتوانی اقتصادی تشکلهای از جمله مهمترین موانع تحقق عملی فعالیتهای حزبی بوده است. از طرفی وجود مساجد و حسینیه ها، تکایا، نمازهای جمعه و جماعات و سایر نهادهای سنتی که به نوعی برخی کاروژه های حزبی را ایفا می کنند، ضرورت فعالیت حزبی را کم رنگ ساخته است. نگرانی دولتمردان از تعمیق شکافهای اجتماعی و قومی و تمایل شدید به مرکزگرایی از دیگر عواملی است که در این مورد نقش مؤثری ایفا کرده است. علاوه بر موارد یادشده، موارد زیر هم در ممانعت از تحزب در ایران و ناپایداری احزاب در کشور ما مؤثر بوده اند:

۱. نهادینه نشدن فعالیتهای حزبی و عدم رشد نهادهای اجتماعی و فقدان تخصص گرایی.
۲. مشکلات حل ناشدنی اقتصادی و معضلات اجتماعی و ضعف ثبات، امنیت و فضای سیاسی لازم.
۳. ضعف بینش سیاسی در پاره ای از اقشار اجتماعی و خصلت عوام گرایانه احزاب در جهان سوم.
۴. وجود مایه هایی از سیاست زدگی و گریز از ایدئولوژی، بی حسی اجتماعی و بی اعتنایی نسبت به پاره ای از امور سیاسی در بین اقشاری از اجتماع.
۵. ضعف نخبگان سیاسی، از جمله وجه هیأتی رفتار کردن و اندیشیدن آنها، گرایش به کلی گویی، ذهنی گرایی، میل به آمرانگرایی مفرط، تمامیت گرایی، خصلت کارکرد فصلی و شخصی. همچنین یکی از عوامل رخوت تحزب در ایران آن است که کارگزاران امور سیاسی و تحزب، به جای نخبگان و فن سالاران سیاسی، تکنوکراتهای علوم غیر سیاسی و در مواردی سیاست بازان بوده و هستند.
۶. بنیشت مطلق گرایی و تأثیر و تبعات منفی آن در قلمرو سیاست.
۷. همخوان نبودن روند توسعه سیاسی با توسعه اقتصادی.
۸. وجود فرهنگ رقابت ستیزی، حذف و ستیزه جویی در مبارزات سیاسی، انتخاباتی و ضعف فرهنگ تسامح، تساهل و مدارا و رعایت نشدن قواعد بازی مبتنی بر مسالمت جویی.
۹. تردیدهای دال بر شخصی یا فصلی یا دولتی بودن احزاب و غالب بودن صبغه ایدئولوژیک بر پاره ای از آنها.
۱۰. فقدان اپوزیسیون و مجال کافی برای ابراز وجود آنها.
۱۱. وجود تشکیلات سیاسی بی نام و نشان، همانند باندها و گروههای فشار که فاقد مجوز،
۱۲. برنامه و استراتژی مدون و اعضای مشخص هستند.
۱۳. روحیه فردگرایی و سستی روحیه کار جمعی و جمع گرایی و فرهنگ مشارکتی.
۱۴. بدبینیهای قبلی به فعالیت بدسابقه احزاب (همانند احزاب مارکسیستی، توده و)
۱۵. تلاشهای حکومتیهای پیشینی در حسن و امتیاز شمردن غیرسیاسی بودن مسؤولان و دست اندر کاران کشور و نقش این امر در عدم تمهید بستر خوشبینانه به فعالیت احزاب و تجربه

اندوزی لازم.

۱۵. تمرکزگرایی زیاد دولت و ضعف تکثرگرایی لازم در کلیه امور، به ویژه کمبود بسترهای تحقق مشارکت واقعی مردم در اداره امور و واگذاری امور به آنها.
۱۶. نبود تجربه کافی از تحزب در ایران و ضعف مطالعات و پیش بینیهای لازم در این امر.
۱۷. غالب بودن روحیه "زور و زود" بر فرهنگ سیاسی؛ به این معنا که بسیاری در جهت تحقق منافع و اهداف خویش، بدون رعایت مسالمت جویی، تمایل به استفاده از ابزار مدارانه و خشن دارند و از سوی دیگر در همه مسائل، بسیار زود مایل به نتیجه گیری هستند. در مورد احزاب هم چنین بر خود تعجیلی و شتاب آلود و موسمی نیز به چشم می خورد. بسیاری این قضیه را نادیده می گیرند که تجربه تحزب جدید غرب حداقل یک قرن و نیم سابقه دارد و می باید به گونه ای عمل کرد که شتاب بی مورد تجربه تلخ احزاب چند دهه اخیر، بار دیگر تکرار نشود. زیرا در آن صورت احزاب خلق شده چیزی جز شکلکهای مضحک و نمایشهای بی مایه ای از سازمانهای به اصطلاح دموکراتیک - آن هم به تقلید از غرب - نخواهند بود.
۱۸. سابقه روحیه خود کامگی و خود کامه پروری در فرهنگ سیاسی در ایران، به نظر می رسد که چنین روحیه ای خواه ناخواه خصلت الیگارشیک شدن حزب و رهبری آن را تشدید می کند و باید با آن مقابله نمود.
۱۹. خودباختگی سیاسی و عقیدتی در قبال غرب در بین پاره ای از روشنفکران و کارگزاران احتمالی احزاب، و فقدان تحلیلها و تلاشهای فکری لازم در جهت بومی سازی چنین پدیده های ذهنی و عینی.
۲۰. در زمان جنگ تحمیلی و تعرضهای بیگانگان، به دلیل نیاز شدید به وحدت و انسجام ملی، چنین وحدت طلبی اجازه تحزب و احتمال ایجاد شکاف در بدنه ملت و در تقابل با دشمن را نمی داد و به همین دلیل نوع مشارکت سیاسی در این مقطع بیشتر حالت بسیجی را دارد. استنتاج دستاوردهای این نوشتار تصدیق مجدد این واقعیت مبرهن است که وجود احزاب ملازم توسعه و ثبات سیاسی و موجد امنیت واقعی است و مشارکت نهادمند و سازمان یافته و رقابت جویانه همراه با قبول قواعد بازی را به دنبال دارد که این نیز بی واسطه منجر به حفظ و تداوم نظام سیاسی می گردد. امروزه بسیاری لازمه تبدیل مشارکت توده ای به مشارکت فعال و سازمان یافته و منضبط را در تأسیس احزاب می بینند و آن را مرحله ای تکمیلی از مراحل انقلاب اسلامی به شمار می آورند و خواه ناخواه توصیه چنین راهکاری در جهت تضمین تداوم و تعادل نظام اسلامی است.
- کشور ما تقریباً در خلال سه دهه گذشته، فرایند و فراز و نشیبهای نوسازی و بحرانهای آن را طی می کند و همان طور که از قول هانتینگتون نقل شد یکی از محصولات این بحرانها افزایش تقاضای مشارکت سیاسی است و باید به هر شکل ممکن با تأمین و تعبیه "روزنه ها و دریچه های اطمینانی" مانند احزاب و سایر تشکلهای سیاسی، زمینه رقابت مسالمت آمیز را فراهم ساخت تا بدین وسیله تقاضاهای مذکور در چارچوبی قانونی تحدید و تجمیع شده و این گازهای متراکم و قابل انفجار و پتانسیلهای مشارکت خواه، از مجراهای خشونت به مجاری سازندگی منتقل گشته و از طریق روندهای اطمینان احزاب جذب شوند بدینجهت است بدین روش سیستم سیاسی دیگر شاهد خشونتهای طغیان گرایانه و ویرانگر خواهد بود و ثبات و امنیت سیستم در جهت ترقی و تعالی آن حفظ خواهد شد. امروزه مسؤولان بلند پایه نظام از جمله رهبر معظم انقلاب و رئیس جمهور نیز همواره وجود و فعالیت آزاد و قانونمند احزاب و جریانهای مختلف سیاسی را مورد تأیید قرار داده و حیات و تعامل آنها را موجب بقای باشناط نظام و پیوندگی سیاسی جامعه دانسته اند. ریاست جمهوری، پیوسته بر فعالیت قانونی گروههای سیاسی، تأکید کرده است. ایشان احزاب را شناسنامه گروهها می دانند و خواهان آنند که با صدور

شناسنامه، هویت فعالان سیاسی برای دولت - در مفهوم جامعه شناختی آن - و ملت شناخته شود؛ از نظر وی احزاب مستقل و فراگیر با استقبال توده ها و نخبگان مواجه خواهند شد و حضور آنها مانع خشونت بوده و بدین وسیله نحوه دستیابی مدعیان و بازیگران سیاسی به قدرت، شکل مسالمت آمیزی خواهد گرفت. خاتمی بحران کوی دانشگاه تهران (۱۸ تا ۲۳ مرداد ۷۸) را ناشی از نبود احزاب می داند و بر این باور است که به دلیل جدی نگرفتن نهادهای مدنی در کشور مان و با توجه به اهل چون و چرایی بودن اصحاب دانشگاه و طبع مشارکت جوی آنان، این نهاد به همراه مطبوعات، بار نبودن نهادهای شناسنامه دار را بر دوش کشیده و بدین صورت آسیبهایی هم دیده اند. در همین زمینه، وزیر کشور هم تقویت احزاب و گروههای شناسنامه دار را برنامه اصلی دولت دانسته و معتقد است عدم حمایت از تشکلهای قانونی که در چارچوب میثاق ملی حرکت می کنند ظلم به جامعه، مردم و اندیشه است. بدین ترتیب جای شکی باقی نیست که تأسیس احزاب، عاملی تقویت کننده برای ثبات سیاسی و امنیت کشور می تواند باشد به شرطی که موانع تحزب برطرف شده و با آفات و آسیبهای محتمل با هوشیاری تمام برخورد شود؛ زیرا تجربه تاریخی جوامع گوناگون به ویژه در عصر حاضر آشکار می کند که صرف وجود احزاب، جریانها، گروهها و جناحهای مختلف سیاسی در یک جامعه، نشانه پویایی، بالندگی و نشاط سیاسی نیست. آن چه باعث می شود که حضور و عمل این گروهها و جریانها در عرصه میدان سیاست و در بطن جامعه مقبول و پذیرفتنی گردد، نحوه عمل و شکل و شیوه فعالیت آنان است؛ از این روی تحزب و تکثر سیاسی را زمانی می توان یک ارزش و میزان ثبات و توسعه به شمار آورد، که به تشمت سیاسی نینجامد و باید دانست که صرف حضور احزاب، موجد توسعه و ثبات همه جانبه و پایدار نیست.

بدین صورت می توان به این استنتاج بدیهی رسید که در واقع "حزب راه حل نیست"، بلکه خود نیازمند زمینه هایی است که حصول آن، برنامه ریزی و صرف وقت را می طلبد. پس از همگونگی اجتماعی، تقویت نهادهای مدنی و اعتلای سطح فرهنگ عامه از ضرورتهای اولیه است و به تعبیر یکی از صاحب نظران، اگر این زمینه فراهم نشود، بیم آن می رود که مانند آنچه در برخی کشورها - مثل آن چه در جمهوری سوم فرانسه گذشت - احزاب مانند خروسهای جنگی به جان هم افتاده و جامعه به تماشاگر منفعلی تبدیل گردد. در حقیقت متفکران دموکراسی نیز، احزاب را فرزندان و نه موجد دموکراسی می دانند؛ بدین خاطر پیش زمینه های قبلی دموکراتیک را برای ظهور، بقا و عملکرد احزاب، بایسته می انگارند؛ از جمله این پیش شرطها وجود امنیت کافی برای احزاب است و در واقع بین تحزب، و امنیت و ثبات رابطه دوسویه ای برقرار است و هر دو لازم و ملزوم و مددکار یکدیگرند. از سوی دیگر، رقابت مسالمت آمیز شرط بقا و عملکرد صحیح احزاب در تأمین توسعه و ثبات سیاسی است و حتی رهبر انقلاب بارها در این زمینه با تأکیدات صریحی، فرموده اند: "دشمن روی جنگ جناحها با یکدیگر محاسبه می کند. بنابراین جناح های سیاسی نباید رقابت در چارچوب اختلاف سیاسی و اقتصادی را به خصومت و دشمنی و کینه ورزی در مقابل هم تبدیل کنند." دقت در این رهنمود که مورد تأکید کلیه اصحاب فکر و اندیشه نیز هست، می تواند آن را به مثابه منشوری برای تعیین رفتار و چگونگی "رقابت سالم" و نه "جنگ و منازعه" جناحها و احزاب آتی سیاسی مبدل سازد و کشورمان را به سوی توسعه و ثبات سیاسی بیشتری رهنمون گردد.

نویسنده مقاله:

دکتر بهرام اخوان کاظمی

عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق

افزایش ۵۷ درصدی مصرف قلیان توسط دختران



دکتر مسجودی: دبیرکل جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات:
 آمار نشان می‌دهد ۱۲ درصد مردم در کشور سیگار و قلیان می‌کشند، ۸۸ درصد مردم در مقابل اینها یا آسیب می‌بینند یا از جیب شان خرج سلامتی آنها می‌شود.

نوجوانان می‌گویند برای گذراندن اوقات فراقت امکانات تفریحی و ورزشی رایگان نداریم!



مصرف قلیان در دختران ۵۷ درصد و در پسران ۱۷ درصد افزایش پیدا کرده.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران:

طالبان اجبار رو بنده برای زنان روزنامه‌نگار را لغو کنند



وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان که پس از تسلط طالبان به جای وزارت امور زنان تاسیس شده، این فرمان را لازم‌الاجرا اعلام کرد. سخنگوی این وزارتخانه تلویحا گفت که هر خبرنگار زن که بدون رو بنده (پوشش صورت)، روی صفحه نمایش ظاهر شود، از کار اخراج خواهد شد. مدیران رسانه نیز در صورت سرپیچی از این دستور و قوانین جدید طالبان مجازات خواهند شد. یک روز پس از دستورالعمل جدید، خبرنگاران زن از سه رسانه افغانستان از دستورات سرپیچی کردند و بدون رو بنده در پخش تلویزیون حاضر شدند. با این حال، پس از فشار و

طالبان با صدور فرمانی به همه مجریان زن تلویزیون و روزنامه‌نگاران دستور داده است که هنگام پخش روی آنتن صورت خود را بپوشانند. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ) این فرمان را محکوم کرده و از طالبان می‌خواهد که به همه زنان روزنامه‌نگار اجازه دهد تا مستقل و آزادانه کار کنند. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ) اعلام کرد: «دستورالعمل جدید طالبان یکی از اقدامات متعدد برای حذف سیستماتیک زنان روزنامه‌نگار از رسانه و نقض کامل آزادی مطبوعات و آزادی بیان است.» این فدراسیون از مقامات طالبان می‌خواهد فوراً این قانون را لغو کنند.

سرپرست به تصویب برسد. از ایشان در پاسخ فرمودند: ما در گام اول هستیم. طرح نوشته شده است و ما در مرحله اول طرح را به احزاب کشور که هم زنده هستند و هم قدمت دارند احاله کردیم تا نظرات مختلف آنها اخذ شود. پس از آن کار گروه مربوطه شکل خواهد گرفت و با توجه به نظرات آنها و طرح قانونی که داده شده ما در کمیسیون به جمع بندی می‌رسیم. از ایشان سوال کردیم که آیا تصویب این طرح حداقل ۶ ماه یا یکسال طول خواهد کشید یا زودتر تصویب خواهد شد؟ که ایشان پاسخ دادند: زمان کمتری طول می‌کشد. البته این منوط به همکاری احزاب است و جمع بندی ما با تطبیق سیاستهای بالادستی باعث می‌شود که این قانون

گزارش وضعیت رسانه‌ها در سال ۲۰۲۲

● در اروپا و آسیا و اقیانوسیه، فیس بوک بیشترین استفاده را داشت (به ترتیب ۶۴ و ۷۶ درصد).
 ● در آمریکای شمالی، توئیتر بیشترین استفاده را داشت (۷۰ درصد).
 ● ۱۸ درصد از روزنامه‌نگاران گفتند که رابطه آنها با متخصصان روابط عمومی در سال گذشته ارزشمندتر شده است، ۶۸ درصد گفتند که بدون تغییر بوده و ۱۴ درصد گفته‌اند که ارزش آن کم شده است.
 ● ۳۲ درصد از روزنامه‌نگاران گفتند: "حفظ اعتبار به عنوان یک منبع خبری قابل اعتماد/مبارزه با اتهامات "اخبار جعلی" بزرگترین چالش بود.



سیژن روندهای صنعت روزنامه‌نگاری را در سال گذشته ارزیابی کرد. نظرسنجی از ۳۸۹۰ روزنامه‌نگار و دیگر متخصصان صنعت در سراسر جهان از ژانویه تا فوریه ۲۰۲۲ انجام شد. یافته‌ها ی کلیدی عبارتند از:
 ● ۵۷ درصد از روزنامه‌نگاران گفتند که احساس می‌کنند اعتماد مردم به رسانه‌ها در سال گذشته از دست رفته است.
 ● روزنامه‌نگاران از فیس بوک (۶۳ درصد)، توئیتر (۵۹ درصد) و لینکدین (۵۶ درصد) بیشترین استفاده را به دلایل حرفه‌ای در سراسر جهان داشتند.

ادامه از صفحه یک /

که ایشان در پاسخ فرمودند: ما در گام اول هستیم. طرح نوشته شده است و ما در مرحله اول طرح را به احزاب کشور که هم زنده هستند و هم قدمت دارند احاله کردیم تا نظرات مختلف آنها اخذ شود. پس از آن کار گروه مربوطه شکل خواهد گرفت و با توجه به نظرات آنها و طرح قانونی که داده شده ما در کمیسیون به جمع بندی می‌رسیم. از ایشان سوال کردیم که آیا تصویب این طرح حداقل ۶ ماه یا یکسال طول خواهد کشید یا زودتر تصویب خواهد شد؟ که ایشان پاسخ دادند: زمان کمتری طول می‌کشد. البته این منوط به همکاری احزاب است و جمع بندی ما با تطبیق سیاستهای بالادستی باعث می‌شود که این قانون

چقدر باید مصیبت ببینیم تا ایمنی سازه‌ها را جدی بگیریم؟

شده بودند اما این حجم از بی توجهی به هشدارها عجیب است.

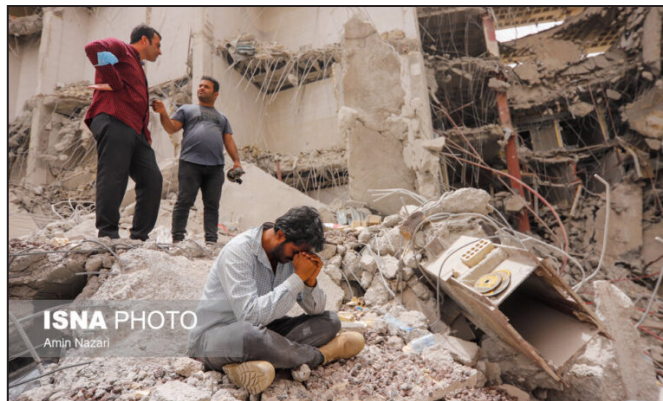
کلانتریان با اشاره به زلزله کرمانشاه گفت: زمانی که زمین لرزه سرپل ذهاب در کرمانشاه اتفاق افتاد ما یک تیم تخصصی جوش به محل اعزام و گزارشی کامل همراه با تصاویر تخریب‌ها و ذکر دلایل و عیوب کار به شکل واضح تهیه و تقدیم کمیسیون عمران مجلس کردیم. راهکار داده شد و تقاضای جلسه کردیم اما دریغ از عکس‌العمل و پاسخ. البته این گزارش برای چندین سازمان دیگر هم بعدها ارسال شد اما باز هم فایده نداشت.

کسی با گذراندن دوره‌های کوتاه مدت، متخصص نمی‌شود

وی تاکید کرد: مهندسان مکانیک، عمران یا برق نمی‌توانند با گذراندن آموزش‌های کوتاه مدت، کار یکدیگر را انجام دهند. اغلب آموزش‌های کوتاه مدت را مهندسان و متخصصان جوش به مهندسان عمران یا برق ارائه می‌دهند اما خود این مدرسان را در سیستم نظارت ساختمان راه نمی‌دهند. بکارگیری این جوانان هم می‌تواند منجر به افزایش عمر مفید ساختمان‌ها شود و هم مشکل اشتغال بخش عمده‌ای از تحصیل‌کردگان را حل کند. مهندسی جوش، یکی از حلقه‌های گمشده صنعت ساختمان کشور است.

رییس کانون مهندسين جوش ايران تصريح کرد: برای اطمینان از صحت فرآیند جوشکاری نیاز به تدوین و بررسی مستندات و دستورالعمل‌های جوشکاری و آزمایشات مختلف کیفیت مطابق استانداردهای ملی و بین‌المللی داریم. جوشکاران باید تایید صلاحیت شده باشند. جوش باید نفوذ کامل داشته باشد، در سطح و در عمق نباید دارای عیب باشد و کل فرآیند باید به شکلی انجام شود که خواص مکانیکی و استحکام جوش در محدوده قابل قبول استانداردها باشد.

منبع: سایت سیمای وطن



معدن و تجارت (صمت)، سازمان ملی استاندارد و... بارها و بارها جلسه گذاشتیم اما نتیجه‌ای در پی نداشت. در آخرین اقدام هم نامه و پیشنهادهای به یکی از معاونین ریاست جمهوری تقدیم کرده‌ایم که پیگیری آن هم فعلاً به جایی نرسیده است. البته در بعضی موارد جابجایی مدیران آنقدر سریع است که مدیر ترجیح می‌دهد بلندمدت فکر نکند.

چقدر باید مصیبت ببینیم تا ایمنی سازه‌ها را جدی بگیریم؟

وی حادثه‌ی متروپل را اولین و آخرین حادثه ناشی از بی توجهی به بحث ایمنی سازه ندانست و گفت: متأسفانه با این وضعیت باید منتظر اتفاقات ناگوار بعدی باشیم. خدا نکند تهران بلرزد! شرایط موجود نشان می‌دهد اهمیت چندان در کشور برای جان خودمان و منابع کشور قائل نیستیم. این ضعف سیستمی هم مسئولان و هم مردم را گرفتار می‌کند. مگر شوخی است که یک زن چهار عضو خانواده‌اش را از دست بدهد؟ چقدر مردم باید مصیبت و خسارت ببینند تا ایمنی ساختمان‌ها را جدی بگیریم؟

رییس کانون مهندسين جوش ايران اظهار کرد: حتی کارگران متروپل متوجه ضعف‌های اساسی در این ساختمان

می‌کنند

وی یادآور شد: کانون مهندسين جوش حدود ۱۲ انجمن صنفی کارگری در استان‌ها دارد اما اغلب مردم و مسئولان با این رشته کاملاً تخصصی که بیش از ۲۰ سال از تدریس آن در دانشگاه‌های کشور می‌گذرد آشنایی ندارند. واضح است که این گروه در زمینه اشتغال هم با مشکل جدی مواجه باشند. تعداد زیادی از مهندسين جوش بعد از فارغ‌التحصیلی یا بیکار هستند، یا در مشاغل غیر تخصصی کار می‌کنند یا از ایران می‌روند. نوش جان کشورهایی که قدر نیروی کار جوان و متخصص و آماده به کار را می‌دانند!

رییس کانون مهندسين جوش ايران بيان این که جوش اتصالات نیاز به تخصص و مهارت بالایی دارد گفت: یک فرد جوشکار باید بداند سازه به چه شکل باید جوشکاری شود تا استحکام لازم را داشته باشد. طراح و ناظر جوش باید تحصیلات تخصصی داشته باشد. حوزه جوش در کشورهای صنعتی حدود ۷۰ سال قدمت دارد.

کلانتریان با اشاره به جلسات متعددی که برای فرهنگ‌سازی صنعت جوش با مسئولان داشته‌اند افزود: در مجلس، دولت، مجمع تشخیص مصلحت نظام، سازمان نظام مهندسی ساختمان، وزارت صنعت،

رییس کانون مهندسين جوش ايران بيان این که حوادث زمین‌لرزه‌های رودبار، کرمانشاه و ریزش ساختمان متروپل آبادان ناشی از بی توجهی به صنعت جوش بوده است گفت: تا کی می‌خواهیم شاهد از دست دادن عزیزانمان در حوادث ساختمانی باشیم؟

رضا کلانتریان در گفت‌وگو با سیمای وطن اظهار کرد: موضوع پایین بودن استانداردهای ایمنی ساختمان فقط مربوط به متروپل نیست و متأسفانه این قبیل حوادث به نوعی عادی شده است. یک اتفاق که می‌افتد همه به آن می‌پردازند اما بعد از مدتی فراموش می‌شود تا اتفاق بعدی رخ می‌دهد.

وی خاطر نشان کرد: اولین حادثه ناشی از بی توجهی به بحث جوش سازه‌های فلزی به زلزله رودبار برمی‌گردد. سپس تخریب خانه‌ها در جریان زلزله کرمانشاه با همان ویژگی‌ها را شاهد بودیم. مورد بعدی متروپل بود که در همه این حوادث مساله‌ی ضعیف بودن سازه خیلی پررنگ است.

رییس کانون مهندسين جوش ايران بيان این که ریشه حوادث ساختمانی به ضعف در سیستم‌های مدیریتی و نظارتی در کشور مربوط می‌شود گفت: اغلب مسئولان و مدیران درگیر کار روزمره هستند که با پیشرفت زمان، نامش عقبرگرد می‌شود. بعضاً نیز که حوادث اتفاق می‌افتد به بحرانها می‌پردازند اما برای آینده برنامه‌ریزی ندارند. کلانتریان تاکید کرد: در حوزه سازه‌های فلزی و مبحث جوش، سیستم کیفیت‌ی موثری وجود ندارد. مسئولان حاضر نیستند کمک‌های رایگان کارشناسان را هم بپذیرند. البته جلسه می‌گذارند، حرف‌های متخصصان را می‌شنوند و تصدیق می‌کنند اما بعد از آن اتفاقی که منجر به ارتقا شود رخ نمی‌دهد. شاید به این دلیل است که فکر می‌کنند همه چیز عادی و خوب است.

مهندسان جوش اغلب مهاجرت

میل به مهاجرت

در بیش از ۴۰ درصد دانشگاهی‌ها!

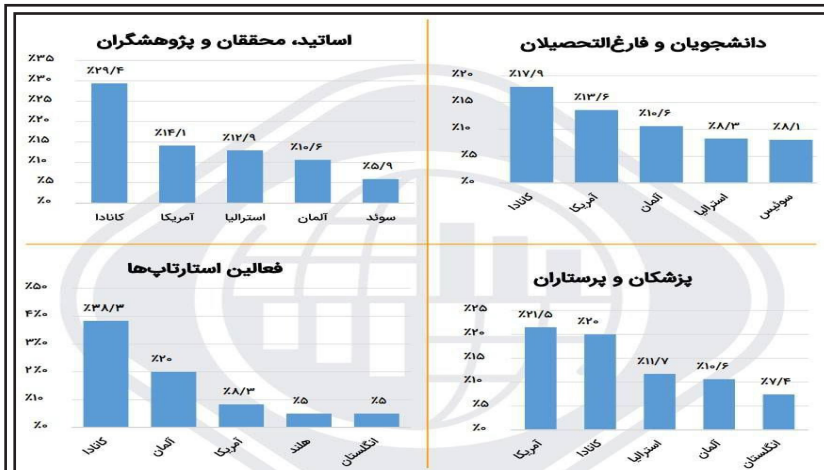
دانشگاهی میل دارند از ایران مهاجرت کنند در این نمودر ۵ کشور مطلوب برای مهاجرت در میان گروه‌های مختلف اجتماعی که توسط رصدخانه مهاجرت بررسی شده‌اند نشان داده شده است

منبع:

هفته‌نامه اخبار پزشکی

در نتایج پژوهش رصدخانه مهاجرت ایران آمده که شاخص میل به مهاجرت در همه گروه‌های بررسی شده بیش از ۴۰ درصد است.

به عبارتی ۵۳ درصد اساتید و محققان، ۴۵ درصد پزشکان و پرستاران، ۴۳ درصد فعالان استارت‌آپی و ۴۰ درصد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان





بلاغوس بعدی هستند و این آنها را به شدت آسیب پذیر می کند. موضوع دیگر اما، آموزش است. بسیاری از این نهادهای کوچک خبری هیچ تجربه ای در اداره یک نهاد یا موسسه ندارند و لازم است که این آموزش، آگاهی و تجربه را از نظر مالی و اقتصادی و استفاده از فن آوری به دست بیاورند و راه هایی نیز برای بهبود محتوایشان و تقویت توزیع و نشر آن بیاموزند و به کار گیرند. آنها به کسانی که بتوانند این نوع آموزش ها را به آنها بدهند و آنها را در این راه راهنمایی کنند و به اداره اتاق خبرشان بپردازند، نیاز دارند و **Elevate** می تواند در این راستا بسیار موثر باشد.

آیا هنگام مصاحبه با داوطلبان چیزی توجهتان را جلب کرد؟

تورس: یکی از این موارد، عدم درک درست از مخاطبان وفادار و یافتن و حفظ آنها بود. بسیاری از رسانه ها به جای توجه به میزان خواندن و شمار مخاطبانی که مطلبی را تمام کرده اند، به تعداد کلیک ها توجه می کنند. مهم است که این مدیران و مسئولان رسانه ای به واقعیت پی ببرند و درک درستی از شمار مخاطبان واقعی و وفادار پیدا کنند و مهمتر از آن اینکه راه هایی برای تقویت کسب درآمد در این راستا بیابند.

برینر: برای من تعجب آور بود که مشکلات رسانه ها و نهادهای خبری کوچک مستقل در جای جای جهان تا چه اندازه شبیه است و مشکلاتی چون بهداشت و تندرستی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، برگزاری انتخابات منصفانه، آزادی بیان و برابری مسائلی مشترک در سراسر دنیاست. نکته دیگر این است که از آنجا که بسیاری از گردانندگان این نهادها و وبسایت ها شیوه های صحیح اداره اقتصادی نهاد خود را نمی دانند، اغلب، درک و برداشت درست و دقیقی از میزان اثرات مالی که اقدامات یا تصمیم های آنها در پی دارد، ندارند. برای بسیاری از آنها دشوار است که تخمین بزنند چه وقت و به چه میزان سود یا زیان کرده اند یا مثلاً همین ماه گذشته چقدر درآمد داشته اند. کار آفرینان رسانه های دیجیتال مسلماً خواهند توانست از آموزش و کسب تجربه در این راستا منتفع شوند.

چه ایده ها یا افکار دیگری دارید که مایلید اینجا در مورد فرایند این انتخاب یا به طور کلی درباره رسانه های مستقل مطرح کنید؟

تورس: برای مستقل ماندن، رسانه ها راهی ندارند به جز آن که شیوه هایی برای حمایت مالی از خبرنگاری شان پیدا کنند. این، دستورالعمل یکسانی برای همه رسانه ها نیست و همیشه به فروش یا میزان اشتراک دستاوردهای نهادها یا وبسایت های خبری مربوط نمی شود. گردانندگان رسانه ها باید به توصیه ها و راهنمایی هایی که به آنها کمک می کند تادر راستای صحیح حرکت کنند، توجه داشته باشند و راه هایی را برای دوام در اجتماعاتشان برای خدمت به آن اجتماعات و آگاهی رسانی در آنها بیابند و به کار گیرند.

برینر: من همیشه تحت تاثیر شهامت و تعهد کارآفرینان رسانه های دیجیتال قرار می گیرم که با تهدیدهای عمده ای از سوی نهادهای قدرتمند و بزرگ سیاسی و اقتصادی روبه رو هستند اما همچنان مقاومت می کنند و به رغم دشواری ها به کارشان ادامه می دهند. اعتقاد آنها به مسئولیتشان در تأمین اطلاعات قابل اعتماد و معتبر همواره مرا به تحسین و امیدوار می دارد. این رسانه ها و مدیران آنها به من نیرو می دهند

منبع: شبکه بین المللی خبرنگاران.

رسانه های مستقل قدرتها و مسئولان را به پاسخگویی وامی دارند و به جوامع خود اطلاعات حیاتی می رسانند اما بسیاری از آنها از نظر مالی دچار چالشند و با خطر ورشکستگی رو به رو هستند

Patricia Torres-Burd

که مدیر اجرایی خدمات مشاوره ای در صندوق توسعه سرمایه گذاری بر رسانه هاست، می گوید هر نهاد خبری که در پی دوام توانایی مالی خود است، باید شماری فعالیت مشابه در این راستا بکند، اما هیچ الگویی برای همه رسانه ها قابل استفاده و قابل تعمیم نیست و هر رسانه ای باید به تناسب نیازها، الگوهای توسعه، و شمار و نوع مخاطبان خود راهبردهایی را برای این منظور به کار گیرد. مرکز بین المللی خبرنگاران **Elevate** را ایجاد کرد که به خبرنگارانی که مدیر مراکز و نهادهای مستقل خبری هستند، کمک کند تا پیشرفت کنند. از راه تبادل نظر با دیگر رسانه های مشابه، دریافت وام بلاغوس و گرفتن راهنمایی از همکاران و نهادهای هم رده، این نهادهای خبری می توانند مهارت های لازم را برای رشد و حفظ اتاق های خبر یا وبسایت های خبری کوچک و متوسط کسب کنند و به تولید و انتشار اخبار مستقل و دقیق ادامه دهند. نخستین گروه برنامه **Elevate** مرکز بین المللی خبرنگاران پس از انجام پنجاه مصاحبه انتخاب شده اند و **James Breiner** و **Patricia Torres-Burd** در پی آن نظرات خود را پیرامون دوام و پایداری نهادهای خبری مستقل در سطح جهان با مرکز بین المللی خبرنگاران در میان گذاشتند. مطلبی را که در این مورد منتشر شده، اینجا در آی جی نت می خوانید.

مرکز بین المللی خبرنگاران:

چه نکاتی در مورد مدیران رسانه ای که با آنها مصاحبه کردید، نظرتان را جلب کرد؟

برینر: حس خدمت اجتماعی که اولویت آنهاست. آنها می خواهند به کسانی که ممکن است مورد اغماض قرار گرفته باشند یا توسط افراد قدرتمندتر مورد سوء استفاده واقع شده باشند، صدایی بدهند. آنها می خواهند اطلاعاتی ضروری را به مردم برسانند که حس می کنند ضروری است اما جای دیگری ارائه نمی شود.

تورس - برد: این داوطلبان کارهای بسیار خوبی انجام داده اند و اطلاعاتی ابزار ضروری را در اختیار مخاطبانشان قرار داده اند، آن هم در اغلب موارد با بودجه اندک و شمار کم کارمند.

تجربه صحبت کردن با این داوطلبان به شما پیرامون رسانه های مستقل و چالش های آنها چه پیامی داد؟

تورس: توانایی یافتن یا ایجاد یک الگوی پایدار رسانه ای چالش انگیز است، و برای آنها که در محیط های چالش آمیز سیاسی - اجتماعی و اقتصادی فعالیت می کنند، این حتی شدیدتر است. تعریف و معنای خبرنگاری به دشواری قابل تبدیل به زبان مالی است. برخی از این نهادهای خبری به سوی وابستگی شدید و فزاینده به وام های بلاغوس گام برداشته اند که به نوع خود چالش بزرگ دیگری است که ناممکن نیست، اما گرایش متفاوتی می طلبد و اینجاست که **Elevate** می تواند به کمک آنها بیاید. برینر: البته بزرگترین چالش، مالی است. بسیاری از این نشریات بر لبه تیغ ورشکستگی فعالیت می کنند و همواره منتظر وام



امیر عبداللهیان در گفت و گوی تلفنی با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا

امیر عبداللهیان در گفت و گوی تلفنی با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا: هرگونه اقدام سیاسی از سوی آمریکا و سه کشور اروپایی در آژانس، بی تردید با واکنش متناسب، موثر و فوری ایران مواجه خواهد شد.

سازمان بهداشت جهانی:

موارد فعلی ابتلا به آبله میمون به همه گیری منجر نمی شود



کارشناس ارشد آبله میمون در سازمان بهداشت جهانی روز دوشنبه ۹ خرداد گفت بعید می داند چند صد مورد جدید از ابتلای شناسایی شده به این بیماری به یک پاندمی منجر شود. دکتر رزاموند لویز در عین حال اذعان کرد که هنوز نکات ناشناخته فراوانی در مورد این بیماری وجود دارد از جمله شیوه دقیق سرایت آن و تاثیر احتمالی قطع واکسیناسیون گسترده آبله مرغان چند دهه قبل روی ظهور مجدد و سرایت سریع تر آبله میمون. او در نشست علمی سازمان بهداشت جهانی گفت: بسیار مهم است تاکید شود که چند صد مورد ابتلا به آبله میمون که تاکنون در حدود ۲۰ کشور شناسایی شده است، همه مردان همجنسگرا و یا مردانی هستند که با مردان دیگر رابطه جنسی دارند. کارشناسان علوم پزشکی با توجه به این اطلاعات می توانند تحقیقات خود را ادامه دهند و در عین حال افراد ریسک پذیر باید مراقب باشند. کارشناس ارشد آبله میمون در سازمان بهداشت جهانی گفت: «تاکید بر این موضوع بسیار مهم است، چون به نظر می رسد که با اشکالی از سرایت این ویروس روبرو هستیم که در گذشته به دقت شناسایی نشده بود.» دکتر لویز افزود: «در حال حاضر ما نگران پاندمی جهانی نیستیم. نگرانی ما این است که به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات دقیق برای حفاظت از سلامت خود، افراد ممکن است در معرض ابتلا قرار گیرند.» او خاطر نشان کرد که هر فردی فارغ از گرایش جنسی خود می تواند به طور بالقوه در معرض ابتلا قرار بگیرد. سایر کارشناسان بهداشت عمومی نیز گفته اند که سرایت این ویروس به مردان همجنسگرا و یا مردانی که با مردان دیگر رابطه جنسی دارند ممکن است تصادفی باشد و اگر مهار نشود ممکن است به سرعت به سایرین نیز منتقل شود. طبق آمارهای سازمان بهداشت جهانی، طی هفته های اخیر حداقل ۲۵۰ مورد از ابتلا به آبله میمون در ۲۳ کشور شناسایی شده است که قبل از این هیچ موردی از ابتلا به این بیماری در آن ها گزارش نشده بود. دکتر لویز گفت هنوز مشخص نیست که آیا آبله میمون از طریق رابطه جنسی و یا از طریق تماس حین رابطه جنسی منتقل می شود. او خطر سرایت این بیماری به کل جمعیت را در حال حاضر «بسیار کم» توصیف کرد. ارزیابی کارشناسان تاکنون این بوده است که شیوه اصلی انتقال این ویروس تماس جسمی نزدیک با فرد بیمار و یا استفاده از وسایل شخصی بیمارمان مثل رختخواب، لباس و حوله آن هاست. دکتر لویز هشدار داد در بخش

اعظم افراد مبتلا که در هفته های اخیر شناسایی شده اند ضایعات ناشی از بیماری بیشتر در ناحیه آلت تناسلی متمرکز بوده و در برخی موارد این ضایعات چنان کوچک است که به زحمت مشاهده می شوند. او افزود: «این ضایعات ممکن است دو تا چهار هفته برای دیگران قابل رویت نباشند ولی شما ناقل ویروس هستید.» هفته گذشته یکی از مشاوران سازمان بهداشت جهانی گفت اکثر موارد شناسایی شده در آمریکای شمالی، اروپا، استرالیا و اسرائیل به احتمال فراوان با رابطه جنسی بین شرکت کنندگان در دو کنسرت بزرگ موسیقی در بلژیک و اسپانیا مرتبط است. قبل از شناسایی این موارد، آبله میمون به عنوان یک ویروس بومی در برخی از نقاط غربی و مرکزی آفریقا تلقی می شد که از طریق جانورانی نظیر جوندگان وحشی و یا میمون سانان به انسان منتقل می شود و معمولاً از مرزهای کشوری عبور نمی کرد. کارشناسان بهداشت عمومی هنوز با قاطعیت نمی توانند بگویند که منشأ انتقال ویروس به کشورهای ثروتمند آفریقا بوده است. ولی به نظر می رسد که موارد ابتلا به این بیماری در غرب آفریقا نیز افزایش یافته است. وزارت بهداشت نیجریه روز دوشنبه مرگ اولین فرد مبتلا به این بیماری و شناسایی شش مبتلای دیگر را اعلام کرد. سازمان بهداشت جهانی می گوید موارد ابتلا به این بیماری در نیجریه و جمهوری مرکزی آفریقا هر سال چندین هزار نفر است. اکثر افراد مبتلا به آبله میمون عوارضی شبیه آنفولانزا از جمله تب، لرز، خستگی و درد عضلات را تجربه می کنند. ولی در صورت ابتلای شدید، ابتدا پوست صورت و دست و سپس سایر قسمت های بدن جوش و تاول می زند که با خارش و درد همراه است. تاکنون هیچ یک از مبتلایان به این بیماری در خارج از آفریقا فوت نکرده اند. دکتر رزاموند لویز افزود دامنه شیوع آبله میمون در کشورهای آفریقایی در مجموع تحت کنترل بوده است ولی هنوز مشخص نشده که آیا افراد بدون عارضه مشخص می توانند ناقل این بیماری باشند و یا این بیماری نیز مثل کووید ۱۹ و سرخک می تواند از طریق هوا پخش شود یا نه. او افزود: شاید این بیماری به دلیل کاهش مصونیت عمومی ناشی از توقف واکسیناسیون گسترده آبله مرغان در حدود ۴۰ سال پیش، ضریب شیوع بیشتری پیدا کرده است و افزود برای مهار شیوع این بیماری در کشورهایی که اخیراً ظاهر شده است هنوز فرصت کافی وجود دارد

منبع: خبرگزاری آسوشیتد پرس

بلینکن:

اوکراین در مورد استفاده از سلاح های پیشرفته به آمریکا تضمین داده است



به گفته وزیر خارجه آمریکا، اوکراین تضمین داده است که از تسلیحات پیشرفته ارائه شده برای هدف قرار دادن مناطق روسیه استفاده نخواهد شد. به گزارش سی‌ام‌ای وطن به نقل از آناتولی، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا در یک کنفرانس خبری با پینس استولنتسبرگ، دبیر کل ناتو گفت: «یک اعتماد قوی بین اوکراین و ایالات متحده و همچنین با متحدان و شرکای ما وجود دارد.» بلینکن گفت: جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، حتی قبل از حمله به اوکراین، با همتای روس خود، ولادیمیر پوتین، در مورد اینکه اگر مسکو به جنگ در اوکراین ادامه دهد، واشنگتن چه خواهد کرد، بطور واضح هشدار داده بود. او گفت: «هیچ چیزی برای پنهان کردن جود نداشت. ما از روز اول در مورد این موضوع بسیار شفاف بودیم. بنابراین دقیقاً همان کاری را انجام دادیم که گفته بودیم. و این دوباره روسیه است. آنها تصمیم گرفتند علیرغم این موضوع، این کار را انجام دهند. همه تلاش ما برای جلوگیری از جنگ است.» بایدن روز سه شنبه گفت که ایالات متحده سیستم های موشکی پیشرفته را برای دفاع در برابر روسیه با طولانی شدن جنگ به اوکراین ارسال خواهد کرد. بایدن در مقاله ای که در نیویورک تایمز منتشر شد، به اظهارات ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین مبنی بر اینکه جنگ «تنها از طریق دیپلماسی به طور قطعی پایان خواهد یافت» استناد کرد و گفت که واشنگتن برای تقویت کی یف بر سر میز مذاکره تسلیحاتی فرستاد. به همین دلیل من تصمیم گرفتم که سیستم های موشکی و مهمات پیشرفته تری را در اختیار اوکراینی ها قرار دهیم که آنها را قادر می سازد تا اهداف کلیدی را در میدان نبرد در اوکراین با دقت بیشتری مورد حمله قرار دهند.

اتحادیه اروپا رسماً تحریم نفت روسیه را تصویب کرد



اتحادیه اروپا تحریم علیه بخش نفت و انرژی روسیه و تحریم های دیگر از جمله بانک ها و شبکه تلویزیونی این کشور را به طور رسمی تصویب کرد. براساس بیانیه اتحادیه اروپا، واردات نفت خام روسیه طی شش ماه و سایر فرآورده های نفتی روسیه طی هشت ماه به بازارهای اتحادیه اروپا ممنوع خواهد شد. همچنین این تحریم ها استثناء موقتی را برای کشورهایی از جمله مجارستان، جمهوری چک و اسلواکی که به دریا راه ندارند شامل می شود. زیرا این کشورها به منابع نفتی روسیه وابسته هستند و گزینه مناسب دیگری برای جایگزینی ندارند.

منبع: باشگاه خبرنگاران جوان

دانستنیهای حقوقی

مهم ترین نکات کاربردی که در مورد اسناد رسمی باید بدانید

سند رسمی در باره طرفین و وراثت و قائم مقام آن‌ها نافذ و معتبر است (ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی). تاریخ سند رسمی معتبر است حتی بر علیه ثالث (ماده ۱۳۰۵ ق.م.ا).

انکار نسبت به مندرجات سند رسمی راجع به اخذ وجه یا مال یا تعهد به تأدیبه وجه یا تسلیم مال مسموع نیست (ماده ۱۲۹۲ ق.م.و ماده ۷۰ قانون ثبت اسناد).

صرفاً و فقط سند رسمی است که به نقل و انتقال حق کسب و پیشه از مستأجر سابق به مستأجر جدید اعتبار می بخشد (تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون مالک و مستأجر مصوب ۱۳۵۶).

نقل و انتقال سهم الشریکه در شرکت‌ها با مسئولیت محدود به عمل نمی آید، مگر با سند رسمی (ماده ۱۰۳ قانون تجارت).

مدلول تمامی اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول بدون احتیاج به حکمی از محاکم لازم الاجراست، مگر در مورد تسلیم عین منقولی که شخص ثالثی متصرف و مدعی مالکیت آن باشد (ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد).

تمام اسناد رسمی راجع به معاملات املاک ثبت شده مستقلاً و بدون مراجعه به محاکم لازم الاجراست (ماده ۹۳ قانون ثبت اسناد).

مبلغ اجاره مقید در سند رسمی به عنوان ماخذ وصول مالیات مستتلات معتبر و ملاک عمل اداره امور مالیاتی به عنوان مبنای وصول مالیات است (ماده ۵۴ قانون مالیاتهای مستقیم).

الزام به ایفای تعهدات در سند رسمی از جمله پرداخت بدهی در سر رسید وصول مطالبات یا تخلیه اماکن استیجاری اعم از مسکونی و تجاری (با سند رسمی) از طریق صدور اجرائیه از طریق دفترخانه تنظیم کننده سند و واحد اجرای ثبت

حسب مورد ممکن و نیاز به دادرسی ندارد (بند الف ماده یک آیین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی... مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱ و بند الف ماده ۲ همان آیین نامه و غیره)

وجود شخصی متخصص و معتمد و امین و عادل و متعهد و متبحر به عنوان سردفتر نیز به عنوان کاتبین سند رسمی از مزایای سند رسمی محسوب است.

سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده رسمی است تمامی محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبر است، مگر این که مجموعیت آن سند ثابت شود (ماده ۷۰ قانون ثبت اسناد).

امکان دریافت رونوشت مصدق اسناد رسمی در صورت فقدان اصل اسناد از دفترخانه ممکن است و در صورت تصدیق مطابقت آن با ثبت دفتر به منزله اصل سند خواهد بود (ماده ۷۴ قانون ثبت اسناد).

در صورتی که درخواست تأمین خواسته از دادگاه مستند به سند رسمی باشد، دادگاه مکلف به قبول درخواست است (بند الف ماده ۱۰۸ ق.آ.د.ر.م).

در مواردی که دعوای مستند به سند رسمی باشد، خوانده نمی تواند برای تأمین خسارات احتمالی خود درخواست تأمین کند (ماده ۱۱۰ ق.آ.د.ر.م).

هزینه تنظیم اسناد رسمی به مراتب کمتر از سند عادی است. امکان وقوع معاملات معارض در معاملات با

سند رسمی به مراتب کمتر است.

با تنظیم سند رسمی در خصوص پیش فروش ساختمان متعاملین و واسطه آن‌ها مشمول مجازات های حقوقی و کیفری مقرر در قانون نخواهد شد (قانون پیش فروش ساختمان).

ترویج تنظیم سند رسمی نقش عمده ای در قضا زدایی خواهد داشت.

پذیرفته شدن اسناد رسمی در مورد عقود و معاملات املاک ثبت شده (در دفتر املاک) و نیز عقود و معاملات در مورد املاک ثبت نشده و نیز صلح نامه و هبه نامه در محاکم و ادارات دولتی (مواد ۴۷، ۴۸ و ۴۹ قانون ثبت اسناد).

عدم اعتبار دادن به اسناد ثبت شده از طرف قضات و مأموران دیگر دولتی موجب مجازات و تعقیب انتظامی قضات و مأموران دولتی خواهد شد (ماده ۷۳ قانون ثبت اسناد).

تفاوت های تأمین خواسته با دستور موقت

تفاوت اول: فوریت موضوع

در تأمین خواسته فوریت شرط نیست

((ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م))

در دستور موقت فوریت شرط است

((ماده ۳۱۰ ق.آ.د.م))

تفاوت دوم: تودیع تأمین

تأمین خواسته علی الاصول با تودیع (خسارت احتمالی) صادر می شود مگر در موارد استثنایی ((بند های الف تا ج ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م))

دستور موقت همیشه با تودیع تأمین (خسارت احتمالی) صادر می شود ((ماده ۳۱۹ ق.آ.د.م))

تفاوت سوم: وقت رسیدگی

تأمین خواسته در وقت فوری رسیدگی می شود

((ماده ۱۱۵ ق.آ.د.م))

دستور موقت علی الاصول در وقت عادی و استثنائاً

در وقت فوری رسیدگی می شود

((ماده ۳۱۴ ق.آ.د.م))

تفاوت چهارم: اجرای قرار

تأمین خواسته بدون نیاز به موافقت رئیس حوزه

قضایی اجرائی می شود

اما دستور موقت با موافقت و تأیید رئیس حوزه قضایی اجرائی می شود ((تبصره ۱ ماده ۳۲۵ ق.آ.د.م))

تفاوت پنجم: موضوع رسیدگی

تأمین خواسته فقط در خواسته قابل توقیف مجاز است (معلوم یا عین معین باشد)

((ماده ۱۱۳ ق.آ.د.م))

اما دستور موقت در خواسته قابل توقیف، انجام عمل یا منع از عمل نیز قابل صدور است

((ماده ۳۱۶ ق.آ.د.م))

تفاوت ششم: اعتراض به قرار

قرار قبول یارد تأمین خواسته قابل تجدیدنظر نیست ((ماده ۱۱۹ ق.آ.د.م))

اما قرار قبول یارد دستور موقت مستقلاً قابل تجدیدنظر نیست ((ماده ۳۲۵ ق.آ.د.م))

تفاوت هفتم

مرجع مرجع رسیدگی

تأمین خواسته در دادگاهی که نسبت به اصل دعوا صالح است رسیدگی می شود ولو اینکه مال

عدالت:

بر اساس بند ۵ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری عدالت نیز از شرایط شاهدان است. به دلالت تبصره ۳ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری کسی عادل شمرده نمی شود که " سابقه فسق و اشتها به فساد داشته باشد". در تشخیص فسق و فساد مفاهیم عرفی آنها با توجه به شرایط زمانی و مکانی و حتی موقعیت اجتماعی گواه مد نظر قرار می گیرد پس کسی که چک بلا محل صادر کرده است به این علت شرط عدالت را از دست نمی دهد.

نداشتن نفع شخصی در دعوا:

بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی گواهی کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منقعت یا حق در دعوا داشته باشد پذیرفته نمی شود. از بند ۶ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز همین معنا برداشت می شود. لذا اگر گواه نفع شخصی در دعوا داشته باشد، اگر چه ایمان و عدالت وی می تواند او را از دادن گواهی دروغ بازدارد، اما در مظان اتهام جانبداری از طرفی است که پیروزی او موجب انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از وی بوده و به نفع او گواهی می دهد. بنابراین هر گاه گواهی علیه طرفی باشد که گواه نفع شخصی در پیروزی او دارد شنیده می شود.

بودن دشمنی دنیوی بین گواه و طرف مربوط: بند ۷ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوا را از شرایط گواه دانسته است. معیار دقیقی برای دشمنی دنیوی وجود ندارد؛ مگر اینکه بنده ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی را بپذیریم که بر اساس آن: هر گاه دعوای حقوقی و جزایی بین گواه و طرفی که علیه او گواهی داده می شود در جریان باشد یا در گذشته در جریان بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی در آنها دو سال نگذشته باشد، این امر وجود دشمنی دنیوی بین آنها شمرده می شود. البته هر گاه گواهی به نفع طرفی باشد که با گواه دشمنی دنیوی دارند پذیرفته می شود.

اشتغال نداشتن به تکدی و ولگردی:

بر اساس بند ۸ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری عدم اشتغال به تکدی و ولگردی از دیگر شرایط شاهد است. قانون مدنی نیز شهادت کسانی را که تکدی یا گدایی را شغل خود قرار می دهند پذیرفتنی نمی داند. چرا که به گفتار اشخاص مزبور نمی توان اعتماد کرد؛ زیرا وضعیت اخلاقی آنها موجب این تصور می شود که در گفتار خود تطمع شده باشند. لازم به ذکر است که اشتغال به تکدی و ولگردی جرم نیز هست.

طهارت مولد:

در بند ۴ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی طهارت مولد یا حلال زاده بودن به عنوان یکی از شرایط شاهدان پیش بینی شده است. این شرط در قانون مدنی سابق پیش بینی نشده بود؛ لکن در اصلاحیه قانون مدنی به پیروی از فقه در ماده مزبور آمده است. شرایط موضوع این ماده باید توسط قاضی احراز شود و در مورد شرط خصومت هر گاه شهادت شاهد به نفع طرف مورد خصومت باشد، پذیرفته می شود و باید دقت کرد اگر شاهد یکی از شرایط شاهد بودن را نداشته باشد میتوان شاهد را جرح کرد.

مورد درخواست تأمین، خارج از حوزه دادگاه صالح باشد

((ماده ۱۱۱ ق.آ.د.م))

دستور موقت در دادگاهی که نسبت به اصل دعوا صالح است رسیدگی می شود مگر اینکه مال موضوع درخواست خارج از حوزه دادگاه باشد ((ماده ۳۱۱ و ۳۱۲ ق.آ.د.م))

تفاوت هشتم: استرداد تأمین

چنانچه خواهان به موجب حکم قطعی محکوم گردد و اثر اجرای قرار تأمین خواسته به خوانده خساراتی وارد شده باشد، خوانده حق دارد ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی خسارات وارده به خود را مطالبه کند در غیر اینصورت به درخواست خواهان خسارت احتمالی سپرده شده به صندوق دادگستری به خواهان مسترد می گردد

((ماده ۱۲۰ ق.آ.د.م))

چنانچه خواهان به موجب حکم نهایی محکوم گردد و اثر اجرای قرار دستور موقت به خوانده خساراتی وارد شده باشد، خوانده حق دارد ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی، برای مطالبه خسارت اقدام کند در غیر اینصورت به دستور دادگاه از خسارت احتمالی (مال مورد تأمین) رفع توقیف می شود ((ماده ۳۲۴ ق.آ.د.م))

شرایط شاهد برای شهادت دادن در دادگاه چیست؟

ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، شرایط شاهد شرعی برای شهادت دادن را مشخص کرده که عبارت از:

بلوغ:

اولین شرط شاهد یا گواه بر اساس بند ۱ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری بلوغ است. به موجب ماده ۱۳۱۴ قانون مدنی شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود؛ مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد. بنابراین اهلیت برای دادن شهادت یا گواهی در حال حاضر ۱۵ سال تمام است و از این لحاظ تفاوتی بین پسر و دختر نیست. با این همه چون بند ۱ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری بلوغ را از شرایط گواه یا شاهد قرار داده است باید پذیرفت که اگر شخص شاهد یا گواه علی رغم رسیدن به سن پانزده سالگی بالغ نشده است، شرط مزبور در او وجود ندارد.

عقل:

بر اساس بند ۲ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری یکی دیگر از شرایط شاهد یا گواه، عقل است. بنابراین گواهی مجنون معتبر شناخته نمی شود. اما گواهی مجنون ادواری اگر در حال بهبودی یا افاقه باشد معتبر است. علاوه بر این با توجه به قانون شهادت کسی که در اثر کبر سن یا بیماری مبتلا به فراموشی است معتبر نیست.

ایمان:

بر اساس بند ۳ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری از جمله شرایط گواه است. بر اساس فقه شیعه اگر شاهد یا گواه از اقلیت های دینی باشد نمی تواند علیه مسلمانان گواهی دهد؛ ولی گواهی وی علیه هم کیش خودش معتبر است.

محاصره و فتح قندهار توسط نادر شاه



www.sekeha.com



نادر شاه پس از آنکه از جانب نواحی شمال و مغرب ایران آسوده خاطر شد، به سمت مشرق توجه کرد و اول به فکر برانداختن آشیانه‌ی افغانه غلجایی یعنی قندهار که گور کانیان هند نیز آنجا پیوسته در خاک ایران تحریکات میکردند افتاد و این شهر در این تاریخ در دست حسین غلجایی (برادر محمود افغان) بود. پس از رسیدن نادر به پای حصار قندهار چون دانست که گشودن آنجا به حمله میسر نیست، تصمیم گرفت که با طول دادن محاصره محصورین را از پا در آورد. به همین نیت در مقابل قندهار شهری تازه به نام نادرآباد ساخت و مراوده‌ی قندهار را با خارج قطع نمود و تا یک سال آنجا راد حصار داشت. عاقبت دید که افغانه به واسطه‌ی داشتن آذوقه‌ی کافی هنوز می‌توانند تا مدتی مقاومت کنند. این بود که حکم به حمله داد و بختیاری‌های همراه نادر یکی از برج‌های شهر را به حمله گرفتند و قندهار در ۲۳ ذی‌الحجه ۱۱۵۰ از پا درآمد.

نوشته:

عبدالحسین زرین کوب، ص ۷۶۰ و ۷۶۱، چاپ هفتم ۱۳۸۴

جنگ قادسیه و تصرف مداین

«قسمت اول»

قادسیه در نزدیکی محلی بود که در زمان بعد آن را کربلا نامیدند. در اینجا تلاقی فریقین روی داد و جنگ سختی در گرفت که چهار روز طول کشید. روز اول به واسطه‌ی فیل‌ها پهره‌مندی با ایرانی‌ها بود، زیرا اسب‌های مسلمین چون از فیل‌ها وحشت داشتند، اطاعت نمی‌کردند. روز دوم کمکی به مسلمین از شام رسید و آنها سواره نظام ایران را شکست داد، تلفات زیاد که تا ده‌هزار نفر تخمین کرده‌اند وارد نمودند. روز سوم قعقاع بن عمرو رئیس قشون امدادیه که از شام رسیده بود با نیزه چشم‌فیل سفیدی را کور کرد و دیگری با فیل دیگر همین کار نمود و فیل‌ها برگشته در صفوف قشون ایران باعث اختلال شدند. شب روز چهارم مسلمین به دسته‌های متعدد تقسیم شده و شبیخون به قشون ایران زده نگذاشتند سپاه ایران استراحت کند، چنانکه در تمام شب جنگ امتداد داشت.

روز چهارم جنگ سختی در گرفت و در این هنگام تندبادی وزیده خاک میدان جنگ را به روی ایرانی‌ها زد و اختلال بزرگی در صفوف آنها انداخت. مسلمین از این وضع استفاده کرده و حملات شدید نموده، قلب لشکر ایران را شکافتند. رستم خود را در آب انداخت که به شنا فرار کند، ولی مسلمی که هلال بن علقمه نام داشت او را تعقیب کرده، بکشت و سر مقتول را به نیزه زد بر تخت او برآمد و فریاد کرد: «به خدای کعبه که من رستم را کشتم».

پس از آن قشون ایران باز پافشاری کردند، ولی کمکی به مسلمین رسید و

می‌پنداشتند. با صرف نظر از تخت و طلا و جواهرات و اشیای نفیسه و قالی بهارستان که نزد عمر فرستادند غنایمی که مسلمین تقسیم کردند، به قدری بود که به هر کدام از اعراب، چنانکه نوشته‌اند به پول امروزی دوهزار و پانصد تومان رسید. در صورتی عده مسلمین به شصت هزار نفر بالغ بود.

منبع:

تاریخ کامل ایران، قبل اسلام نوشته:

حسن پیرنیا
ص ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸
چاپ نهم ۱۳۹۶
انتشارات آرایان

فصلنامه الکترونیکی پناه مردم

مدیر مسئول، سردبیر و صاحب امتیاز:

مهندس مهدی کیان

شماره مجوز: ۸۳۵۸۳

وبسایت نشری پناه مردم:

www.panahemardom.ir

وبسایت پایگاه خبری پناه مردم نیوز:

www.panahemardomnews.ir

طراح: موسی بالا زاده (امید) ۰۹۳۹۵۵۸۴۱۰۴

نشانی دفتر نشری پناه مردم: تهران، تهرانپارس،

وفادار شرقی، بین ۱۳۳ و ۱۳۵ شرقی،

کوچه ۲۲۲ شرقی، پلاک ۳۱۱

۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳ - ۰۹۱۹۳۵۴۶۲۴۸

فکس: ۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳

مادر شبکه‌های اجتماعی با ID زیر دنبال کنید:

@panahemardom

صمیمانه منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان هستیم.

خرید نسخه دیجیتال از وبسایت
www.jaara.com

لشکر ایران شکست خورد در این جنگ، درفش کاویانی به دست مسلمین افتاد. نوشته‌اند جواهرات آن به آن اندازه‌ای بود که با پول امروزی تقریباً دویست هزار تومان قیمت داشت، ولی عربی که آن را به چنگ آورد، به پنج هزار تومان فروخت. پس از این فتح، سعدوقاص به امر عمر به لشکر خود دو ماه استراحت داد و بعد از آن به تسخیر محل‌هایی که بین فرات و دجله بود پرداخت و در ۱۶ هجری به قصد مداین حرکت نمود. یزگرد به او تکلیف کرد که ممالک آن طرف دجله را به مسلمین واگذارد و طرفین صلح نمایند. سعد، این تکلیف را با استهزا رد نمود. هر چند جنگ قادسیه از حیث فتح برای اعراب خیلی اهمیت داشت، ولیکن یزگرد وسایل دفاع را فاقد نشده بود و می‌توانست از حملات آنها جلوگیری کند، از جمله در موقع عبور اعراب از دجله نظر به اینکه آنها از کشتی‌سازی اطلاعی نداشتند، می‌توانست مدت‌ها آنها را معطل نماید، ولی اقدامی نکرد و همین که از نزدیک شدن مسلمین به دجله مطلع شد، تیسفون را ترک نمود و سعد بعد از تسخیر سلوکیه در دجله جایی را که عمیق نبود گمانه کرده، با سپاه خود از رود مزبور گذشت.

پس از ورود به تیسفون، اعراب از عظمت و ثروت و تجملات این شهر غرق حیرت گردیدند و غنایم و ذخایر بی‌شمار به دست آنها افتاد. اکثر اعراب طلا را نمی‌شناختند و کافور را نمک

منبع:

روزگاران، تاریخ ایران از آغاز تا سقوط پهلوی